

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

فصلنامه مدیریت نظامی

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۹

سال بیست و یکم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

صص ۹۵-۱۳۶

مقاله پژوهشی

## تحلیلی بر مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در سیره فرماندهی نظامی امام علی (ع) در نهج البلاغه

رضا جعفری<sup>۱</sup>، حبیب الله زارعی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

معنویت و اخلاق، از جمله مؤلفه‌های حقیقی حیات بشر است که نقشی اساسی در نیکیبختی او ایفا کرده است و انسان‌های اخلاق‌مدار و معنویت‌محور نیز، در عینیت‌بخشی به این مؤلفه‌ها در جوامع انسانی، مؤثرترین نقش را برعهده داشته‌اند. از شخصیت‌های بی‌بدیل و تأثیرگذار تاریخ در این عرصه، امام علی (ع) است که حیات نورانی او، مفسر عینی عالی‌ترین سطح معنویت و اخلاق فاضله انسانی در همه عرصه‌ها، به‌ویژه در عرصه فرماندهی نظامی است. هدف اصلی مطالعه حاضر، تحلیل مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در سیره فرماندهی نظامی آن حضرت می‌باشد. مبتنی بر این هدف، سؤال اصلی پژوهش، «چیستی مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در سیره فرماندهی نظامی امام علی (ع)» است که به روش گردآوری کتابخانه‌ای، با فیش‌برداری از اسناد و منابع موجود و مرتبط، اطلاعات لازم جمع‌آوری و سپس به روش تحلیل محتوای متن، تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج پژوهش، گویای آن است؛ کانونی‌ترین نقطه ثقل معنویت و اخلاق، متکی بر اعتقاد به خداوند متعال است و به تبع این باور اصیل، اصول معنوی امیرالمؤمنین (ع) در حوزه فرماندهی نظامی، خدامحوری، معادباوری و ولایت‌مداری است که این اصول، خود مولد اصول اخلاق توحیدی است که مهم‌ترین آن‌ها، اخلاص، حق‌مداری و عدالت‌محوری می‌باشد.

واژگان کلیدی: معنویت، اخلاق، سیره امام علی (ع)، اصول معنوی، اصول اخلاقی.

۱. استادیار گروه معارف، دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه معارف، دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران، (\*نویسنده مسئول)؛

## مقدمه

انسان، از آن رو که ساختاری فطرتاً اجتماعی دارد، به‌طور طبیعی مراحل مختلف حیات خود را از بدو تولد تا زمان مرگ، در جامعه بشری سپری می‌کند؛ از این رو، نوع تعامل او با جامعه، نقشی محوری در نیک‌بختی یا شوم‌بختی وی ایفا می‌کند. اگر اصول حاکم بر جامعه و اصول مورد پذیرش انسان، همسو و از حقانیت برخوردار باشد، این تعامل هم‌افزا و سازنده خواهد بود و تعالی فرد و اعتلای جامعه را در پی خواهد داشت و حقانیت این اصول، در گرو انطباق آن با معنویت و اخلاق است که عدم انطباق آن‌ها، اثربخشی تعاملات اجتماعی را خنثی و بلکه زیان‌بار می‌کند؛ تا جایی که گاه رنج‌های کشنده و زخم‌های عمیق در جامعه انسانی پدیدار خواهد کرد. (مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۸، بیانیه گام دوم انقلاب)

از سوی دیگر، حقیقت انسان برگرفته از فطرت الهی است؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...»؛ (روم: آیه ۳۰) و «انسان م‌فطور به این فطرت است و با سرشت او آمیخته‌شده که حق زیبا و باطل زشت است؛ ممکن نیست کسی باطل را صددرصد حق یا حق را به‌طور کامل باطل بداند. اگر کسی چنین ادعایی کند، برخلاف آفرینش خود حرف زده‌است و خلاف فطرت ادعا کرده‌است.» (تهرانی، ۱۳۹۱: ۵۵)

مؤید سخن بالا، کلام دقیقی از امام‌صادق (ع) است که فرمود: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُعْرَفَ بَاطِلًا حَقًّا أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْعَلَ الْحَقُّ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ بَاطِلًا لَا شَكَّ فِيهِ وَ أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْعَلَ الْبَاطِلُ فِي قَلْبِ الْكَافِرِ الْمُخَالِفِ حَقًّا لَا شَكَّ فِيهِ وَ لَوْ لَمْ يُجْعَلْ هَذَا هَكَذَا مَا عُرِفَ حَقٌّ مِنْ بَاطِلٍ.» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۷۷)؛ «نسبت به هیچ انسانی امکان ندارد که خداوند باطل را برای او حق معرفی کند و در قلب مؤمنی، حق را باطل قرار دهد. نسبت به کافر مخالف هم، چنین نیست که خداوند در قلب او باطل را حق قرار دهد که شکی در آن نداشته‌باشد.» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۷۷)

بنابراین، میل به حقیقت که در کنش و واکنش‌های انسانی، در شکل معنویت‌گرایی و اخلاق‌گرایی تجلی می‌یابد، در زمره امیال فطری و ارزشی انسان است و هرگاه میان انسان و این ارزش‌ها فاصله یا جدایی افتاده، خسارت‌های فراوانی بر بشریت تحمیل شده‌است؛ جنگ‌های خونین و قتل و عام‌های دسته‌جمعی، بردگی گروه‌های ضعیف در چنگ گروه‌های قوی‌تر، ظهور نمرودها، فراعنه و چنگیزها در طول تاریخ و سفاکی خلفای اموی و عباسی در

دوران گذشته حکومت اسلامی و جنایات سازماندهی شده بشر در عصر کنونی در اشکال مختلف نظامی، امنیتی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی، همگی گویای حرمان و دور شدن بشر از ارزش‌های معنوی اخلاقی منطوی در فطرت خویش است. اما خداوند متعال، برای جلوگیری از چنین انحرافی، علاوه بر هدایت فطری یا تکوینی و هدایت عقلانی، با هدایت تشریحی، در پرتو تعالیم انبیا، راه درست زندگی را به بشریت آموخته و با معرفی پیامبران و اوصیای معرفی شده توسط آنان به‌عنوان الگوهای حسنه، بر انسان احتجاج کرده‌است.

یکی از الگوهای حسنه برای بشریت، امام علی (ع) است که پیامبر اکرم (ص) ایشان را به امیرالمؤمنین ملقب و درباره او فرمود: «آیه‌ای نازل نشد که در آن خطاب «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» باشد، مگر آنکه مُصَدَّر خطاب، علی بن ابیطالب (ص) بود؛ (ر.ک: عطاران، ۱۳۸۰). لذا نقش الگویی آن حضرت برای همه عرصه‌های زندگی بشر، در این کلام نورانی روشن است؛ ضمن اینکه، نقش‌های مهمی که امیرالمؤمنین (ع) به‌عنوان انسانی کامل در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی برعهده داشته‌اند و گزارش‌های روایی که از سیره آن حضرت و رهنمودهای گهربار ایشان در دسترس است، همگی سوق‌دهنده انسان و جامعه در جهت الگوبرداری از سیره آن حضرت در زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی، به‌منظور کشف حیات سعادت‌مند در عرصه‌های مختلف است. مبتنی بر این ملاحظه، این نوشتار تلاشی است در جهت تبیین و تحلیل مؤلفه‌های اخلاقی و معنوی سیره امام علی (ع) در حوزه فرماندهی نظامی که در ادامه با تبیین و تشریح بیان مسئله، اهمیت و ضرورت، سؤال‌ها و فرضیه‌ها، تحلیل پیشینه و تشریح روش پژوهش، به معرفی بیشتر مطالعه حاضر پرداخته می‌شود.

### بیان مسئله

همچنانکه پیش‌تر اشاره شد، امام علی (ع) به دلیل ایفای نقش‌های متعدد در ابعاد فردی و اجتماعی، از جمله در حوزه فرماندهی نظامی، برای آحاد مسلمین جهان، اعم از شیعه و سنی، الگویی مورد وثوق است که در همه زمینه‌ها می‌توان، ابعاد زندگی او را نماد سازی و به‌عنوان سرمشقی مطمئن، به جوامع بشری معرفی نمود. از سویی معنویت و اخلاق نیز، ابعادی محوری و تأثیرگذار بر سایر ابعاد زندگی بشرند؛ به‌طوری که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، این ابعاد را سازنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه معرفی کرده و بر آن است که با معنویت و اخلاق، محیط زندگی، حتی با

وجود کمبودهای مادی، به بهشت تبدیل می‌شود و نبودن آنها، حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. (ر. ک: مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۸، بیانیه گام دوم انقلاب)

فرماندهی نظامی نیز در نیروهای مسلح، در نوع اصول جاری در سازمان و کیفیت و چگونگی جریان آنها، نقش جدی و تعیین‌کننده داشته و فرماندهان، نقش الگویی مؤثر برای زیردستان و ارائه خط و مشی خدمتی به آنان، به طور مستقیم و غیرمستقیم دارند که با تقویت معنویت و اخلاق در ساختار فرماندهی، می‌توان شالوده انضباط معنوی و معنویت و اخلاق اسلامی را در میان آحاد نیروهای مسلح تقویت و از بسیاری انحراف‌های کارکنان، اعم از اعتقادی و اخلاقی، جلوگیری و زمینه خیر و برکت سازمان را فراهم کرد. رهبر معظم انقلاب (حفظه‌الله)، در این زمینه می‌فرماید: «شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد.» (همان)

بنابراین، برای نهادینه شدن معنویت و اخلاق در تمام سطوح خدمتی سازمان‌های نظامی، ابتدا لازم است با تأسی به الگوهای حقیقی بشریت، بالخصوص پیامبر مکرم اسلام (ص) و امامان معصوم (علیهم‌السلام)، این ابعاد را در ساختار فرماندهی نظامی تقویت کرد تا معنویت و اخلاق نیک، به طور طبیعی به دیگر کارکنان نیروهای مسلح، تسری یابد. بر این اساس، مسأله اصلی این پژوهش، تبیین و تحلیل چگونگی مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در سیره فرماندهی نظامی امام علی (ع) و چگونگی الگوی آن است. مبتنی بر این اهداف، سؤال‌های زیر فراروی مطالعه حاضر است. ضمناً با توجه به رویکرد سراسر تحلیلی مقاله که متن محور می‌باشد، فرضیه‌های ناظر به سؤال‌ها، در پایان مطالعه ارائه می‌شود.

### سؤال‌های تحقیق

- سؤال اصلی: مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در سیره فرماندهی نظامی امام علی (ع) کدامند؟

- سؤال فرعی: الگوی مؤلفه‌های معنوی و اخلاقی فرماندهی نظامی در سیره علوی، چگونه الگویی است؟

### پیشینه مطالعاتی

با جستجو در پژوهش‌های پیشین، تنوع چشمگیری، مشخصاً هم‌راستا با موضوع نوشتار

حاضر مشاهده‌نگردید؛ اما برخی مطالعات، مؤید آن است که انجام مطالعاتی پیرامون استخراج الگوهای نظری و عملی امیرالمؤمنین(ع) در حوزه‌های مختلف حکومتی، مدیریتی و حتی فرماندهی نظامی با محورها و موضوعات مختلف، از نگاه پژوهشگران به‌دور نبوده‌است و در حوزه اخلاق و معنویت علوی و تأثیر آن در عرصه‌های نظامی نیز، معدود مطالعاتی انجام شده است که در این مبحث، بخشی از نزدیک‌ترین پژوهش‌های انجام شده به تحقیق حاضر به اختصار بررسی می‌شوند:

برخی مطالعات با رویکردی مقایسه‌ای، الگوهای رفتاری دانشمندان غربی را با الگوی ارائه شده توسط امام علی(ع) مقایسه و هدف اصلی شان، اثبات این حقیقت بوده که گرچه روش‌های معنویت و معیارهای اخلاقی در امور اجتماعی و سیاسی به شکل نوین توسط دانشمندان غربی ارائه شده است ولی این، به معنای فقدان مبانی معنویت متعالی و اخلاق فاضله در آموزه‌های مترقی اسلام، از جمله در تعالیم امام علی(ع) نیست که در این حوزه، مقاله احمدخانی(۱۳۷۹) با عنوان «الگوسازی رفتار مدیران با توجه به نامه‌های حضرت امیرالمؤمنین(ع)» و تحقیق کشاورز(۱۳۸۶) با موضوع «نقش اخلاق فردی امام علی(ع) در حکومت» قابل توجه است.

بخش دیگری از مطالعات، ناظر به مباحث کلی پیرامون معنویت یا اخلاق مدیریتی امام علی(ع) به‌طور جداگانه و یا بعضاً توأمان و تأثیر هر یک از این دو بُعد بر حوزه‌های مختلف مدیریتی کشور است که در این زمینه، تحقیق ثواقب(۱۳۸۰) با موضوع «امام علی(ع)، کارگزاران حکومت و راه کارهای اصلاحات» و مطالعه خرم‌پور(۱۳۹۷) با محوریت «بایسته‌های اخلاقی مدیریت معنوی امام علی(ع) در بعد حکومت‌داری اجتماعی» قابل ذکر می‌باشند.

دسته‌ای دیگر، که بخش قابل توجهی از مطالعات گذشته را دربرمی‌گیرد، پیرامون مباحث عمومی اخلاقی و اجتماعی است که ریشه‌های این مباحث را در آموزه‌های علوی جستجو کرده‌اند که از این دسته هم می‌توان به مقاله یوسفوند(۱۳۸۸) با موضوع «دولت اخلاقی از منظر امام علی(ع)» اشاره کرد.

بعضی پژوهش‌ها نیز، معنویت یا اخلاق را در آثار و اندیشه‌های دیگر صاحب‌نظران اسلامی مورد توجه قرار داده‌اند که از جمله، می‌توان مقاله رودگر(۱۳۹۵) با موضوع

«کارکردهای معنویت در عرصه‌های اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری» را نام برد.

همچنین برخی مطالعات، یک موضوع خاص نظامی را براساس تعالیم امام علی (ع) مطالعه کرده‌اند که از این دسته، مقاله دلشاد تهرانی و جعفری (۱۳۹۴) با موضوع «واکاوی راهبرد نظامی در نهج‌البلاغه» و مقاله رشیدزاده و جعفری (۱۳۹۹) با محوریت «طراحی مدل راهبردی فرماندهی نظامی براساس آموزه‌های امیرالمؤمنین، امام علی (ع) در نهج‌البلاغه» قابل ذکر است.

و سرانجام، برخی تحقیق‌ها، شاخه‌ای از دو بحث معنویت یا اخلاق را در میان کارکنان نظامی موردکاوش قرار داده‌اند که از آن میان، مقاله شیداییان (۱۳۸۸) با موضوع «راه‌کارهای تقویت معنویت در سپاه و بسیج» قابل ذکر است که در نتایج خود، تأثیر تقویت معنوی در حوزه‌های مختلف فردی، سازمانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و دفاعی و روابط بین‌الملل را بر شمرده شده است.

با تحلیل پیشینه مطالعاتی روشن می‌شود؛ هیچ‌یک از پژوهش‌های گذشته، موضوع مقاله حاضر را مورد توجه مستقیم خود قرار نداده‌اند؛ هرچند در اساس و مبانی، مشترکاتی میان آن‌ها دیده می‌شود. بنابراین خلأ پژوهشی با محوری مشابه موضوع تحقیق حاضر، که اصول و مبانی اخلاق و معنویت در سیره فرماندهی نظامی امام علی (ع) را به‌طور خاص مطالعه کرده و منتج به کشف مؤلفه‌های مشخص برای هر یک از این ابعاد، از میان مفاهیم پراکنده در روایات قابل توجهی که از آن حضرت به دست ما رسیده است، شده باشد، محسوس نیست. این پژوهش، ضمن دسته‌بندی اطلاعات، مفاهیم و مؤلفه‌های هر یک از این ابعاد، نتیجه بحث را در قالب الگو نمادسازی کرده است. بنابراین، این مقاله، بدیع است و از شائبه تکرار یا موازی‌کاری با کارهای محققین پیشین، مبرا می‌باشد.

### اهمیت و ضرورت

با نگرش به آنچه در تحلیل پیشینه گذشت، فقدان مطالعه‌ای مستقل و منسجم در زمینه اخلاق و معنویت و پراکنده بودن مؤلفه‌های این ابعاد به‌عنوان دو بُعد اساسی فرماندهی در نیروهای مسلح نظام مقدس جمهوری اسلامی در میان مطالعات گذشته، ضرورت انجام پژوهشی متمرکز بر این دو حوزه را، به‌ویژه با تکیه بر سیره امام علی (ع)، به‌عنوان نخستین امام و مقتدای شیعیان و مسلمانان جهان، روشن می‌کند. از سوی دیگر، معنویت و اخلاق،

نیاز همیشگی بشر در همه عرصه‌ها، به‌ویژه بشر امروز است که از هر طرف مورد حمله تبلیغات مسموم رسانه‌ای غرب به‌منظور دورکردن او از قلّه‌های رفیع معنویت و به انحطاط اخلاقی کشاندن وی از طریق جاذبه‌های فریبا و دلکش دنیوی با ظواهر متنوع و اغواگر آن، هم در فضای واقعی و هم در فضای مجازی است. لذا هر سازمانی نیازمند صیانت از کارکنان خود در برابر این آفت‌ها و آسیب‌های جبران‌ناپذیر است. بنابراین، اهمیت مطالعه حاضر آن است که با درک این نیاز در عرصه فرماندهی نظامی، تلاشی است در جهت استخراج مؤلفه‌های معنویت و اخلاق بر اساس سیره عملی امیرالمؤمنین (ع) و ارائه آن در قالب الگو به فرماندهان نظامی، تا با شناخت بیشتر و تجهیز خود و کارکنان تحت امر به این ابعاد، سازمان‌های نظامی از حمله‌های ویرانگر اعتقادی و اخلاقی مصونیت‌یافته یا دست‌کم، میزان آسیب‌پذیری آن‌ها کاهش یابد.

### تعاریف

هر مطالعه به فراخور حوزه خاص موضوعی، از واژگانی تخصصی بهره‌می‌گیرد که لازم است به نحو نظری و عملیاتی تعریف شوند؛ بر این اساس، در این بخش واژه‌های اصلی و تخصصی مقاله، به دو گونه نظری و عملیاتی تعریف می‌شوند؛ تعریف نظری هر واژه، همان تعریفی است که لغویون به روش معمول خود از آن ارائه کرده‌اند و تعریف عملیاتی نیز، تعریفی است که در این تحقیق بر آن تکیه شده است.

### معنویت

واژه معنویت، از ریشه «معنی» است که مفاهیمی چون مقصود، مراد، حقیقت و باطن از آن فهم شده است؛ کلمه «معنوی»، صفت نسبی به معنای منسوب به معنی، مربوط به معنی، باطنی، حقیقی و نقطه مقابل مادی، ظاهری و صوری است؛ شخصی را که در عالم معنی و باطن سیر کند، عارف گویند. مراد از مقامات معنوی، درجات عالم باطن و مقامات عرفانی است. (معین، ۱۳۸۴: ۱۷۷۵)

مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) در تبیین معنویت می‌فرماید: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاق، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه است.» (بیانیه گام دوم انقلاب) بیان معظم‌له از معنویت تعریف اصطلاحی و ماهوی آن نیست، بلکه توصیف

ویژگی‌های زندگی معنوی است. تعریف ماهوی معنویت عبارت است از: «احساس وابستگی به یک حقیقت ماورایی که بار شناختاری داشته، معرفت به آن حقیقت را در خود دارد و دستاوردهایی مانند آرامش را به دست می‌دهد.» (فضلی، ۱۳۹۱: ۱۶)

منظور از حقایق ماورایی در تعریف مذکور، امور مابعد الطبیعی نیست؛ بلکه حقایق غیرمادی است هرچند در عالم ماده حضور داشته باشند. مثل تجرد روح انسان یا جریان امدادهای غیبی در زندگی فردی و اجتماعی انسان در عالم دنیا.

معنویت منهای خدا در مقام ثبوت فاقد واقعیت و در مقام اثبات فاقد دلیل است؛ زیرا هستی منهای خدا از هیچ حقیقت ماورایی برخوردار نخواهد بود؛ همان‌گونه که قرآن کریم ناظر به این حقیقت، ایمان توحیدی را به درختی ثابت و استوار که مدام در حال ثمر بخشی است و بی‌اعتقادی را به درختی که ریشه آن از جای کنده شده و به آن امید ثمری نیست، تشبیه و می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ \* تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَ يُضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ». (ابراهیم: ۲۴ و ۲۵)

با توجه به تعریف مذکور و با عنایت به بیان مقام معظم رهبری (حفظه‌الله)، می‌توان تعریف عملیاتی معنویت را چنین ارائه کرد: مجموعه‌ای از باورها به حقایق ماورایی که پشتوانه معرفتی داشته و در صفات نفسانی و سبک زندگی انسان مؤمن، نقش تعیین‌کننده دارند.

## اخلاق

«اخلاق جمع خُلُق و معنای لغوی آن نیرو و سرشت باطنی است که تنها با دیده بصیرت قابل درک است؛ در مقابل خُلُق به شکل و صورت محسوس و قابل درک با چشم ظاهر گفته می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۵۹). در اصطلاح خُلُق را صفت نفسانی را سخ می‌گویند که انسان افعال متناسب با آن صفت را بی‌درنگ انجام می‌دهد؛ مثلاً فردی را که دارای خلق شجاعت است در رویارویی با دشمن تردید در خود راه نمی‌دهد. «(نراقی، بی‌تا: ج ۱، ۲۲).

مقام معظم رهبری (حفظه‌الله)، در بیان معنای اخلاق می‌فرماید: «اخلاق به معنی رعایت



فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است.»؛ (بیانیه گام دوم انقلاب). روشن است که این بیان نورانی در باب اخلاق، تعریف ماهوی و اصطلاحی آن نیست؛ بلکه ویژگی‌های زیست اخلاقی را بیان فرموده‌اند. در حقیقت آنچه در حوزه اخلاق اهمیت دارد، زیستن مطابق با ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی است.

با ملاحظه تعریف اصطلاحی اخلاق و توجه به بیان معظم‌له در تعریف عملیاتی اخلاق می‌توان گفت: مجموعه‌ای از صفات و ویژگی‌های پایدار در نفس که مبتنی بر اصول معنوی است و در افعال اختیاری انسان تأثیر تعیین‌کننده دارد.

«مکتب تربیتی اسلام با تکیه بر ایمان و معنویت انسان را به جایی می‌رساند که تکامل و رشد و هدف زندگی خویش را سعادت و رستگاری در گستره ابدیت بداند و آن را در سایه عنایات بی‌کران حق تعالی جستجو کند و حیات و مرگ و نیایش و پرستش و تمامی حرکات و سکنتات خود را تنها برای خدا و تسلیم و تعبد محض در برابر اراده او بداند» (رهبر و رحیمیان، ۱۳۸۶: ۳۹). همان‌گونه که قرآن کریم رهنمود می‌دهد: «قُلْ إِنْ صَلَّاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ\* لَأَشْرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ». (انعام: ۱۶۲ و ۱۶۳)

### سیره

در کتب لغت، واژه «سیره» بر وزن فعله به کسر فا و سکون عین، از ماده «سیر» گرفته شده است. سیر به معنای حرکت و راه رفتن است. وزن «فعله» در زبان عربی بر نوع، کیفیت و هیئت عملی دلالت می‌کند. سیره به معنای حالت و چگونگی حرکت است مانند «جَلَسْتُ جَلَسَةَ الْعَبْدِ: بنده‌وار نشستم» که بیان‌کننده چگونگی نشستن است. این حالت خاص ممکن است امری غریزی یا اکتسابی، نیکو یا زشت باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۳۳). اما در اصطلاح دینی، روش پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) را می‌گویند که در عرصه‌های مختلف و نقش‌های گوناگون زندگی، پیش‌گرفته‌اند و سیره و سنت در این نگاه، به یک معنا می‌باشد که سنت نیز، عبارت از قول و فعل و تقریر معصوم(ع) تعریف شده است. آنچه که در این تحقیق از سیره مد نظر است، همین معناست که معنای عملیاتی سیره نیز می‌باشد.

## فرماندهی نظامی<sup>۱</sup>

از نگاه اصطلاح‌شناسی، تعاریف متعددی از «فرماندهی نظامی» ارائه شده‌است؛ مانند آنکه، جان سی گارت (۱۳۷۵)، فرماندهی نظامی را، هنری دانسته که می‌توان آن را از طریق مطالعه، مشاهده، به‌کارگیری و تجربه‌آموخت، کسب کرد و توسعه داد؛ هنری که مستلزم رشد خصایل نیکوی شخصیتی، شناخت و به‌کارگیری اصول شناخته شده فرماندهی می‌باشد و فرمانده را در انجام ماموریت محوله موفق می‌سازد.

رشیدزاده (۱۳۸۷: ۳، ۱۷) نیز فرماندهی [نظامی] را محور اصلی قدرت نظامی و مجموعه اختیاراتی می‌داند که به‌طور قانونی به فردی داده شده تا در مسندی قرارگیرد و ماموریت سازمانی‌اش را تحقق بخشد.

در گذشته برای فرمانده نظامی اصلاح «استراتوس» به‌کارگرفته می‌شد که به فرماندهان لشکری-کشوری یا فرماندهان هنگ‌های نظامی اطلاق می‌شد که مسئولیت پاسداری از خانواده، قبیله یا دولت را برعهده داشتند. (ازغندی، ۱۳۹۲: ۵۷)

از دیدگاه عملیاتی، گارت (۱۳۷۵) فرمانده نظامی را فردی می‌داند که باید با به‌کارگیری اصول و فنون فرماندهی به شکل مناسب و از طریق اقدامات، دستورها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، افراد زیردست خود را رهبری و هدایت نماید. فرمانده باید به‌طور مستمر وضعیت فرماندهی خود را مورد ارزیابی قرار دهد، قدرت و توان خود را محاسبه کند و نقایص را برطرف سازد.

سون تزو، استراتژیست و نظریه‌پرداز نظامی چین باستان نیز، فرماندهی و رهبری نظامی را یکی از پنج عامل بنیادی در جنگ می‌داند. از نظر او صفات و ویژگی‌های فرماندهی نظامی موجب تبعیت ارتش می‌شود. این صفات عبارتند از: اقتدار و آمریت، خردمندی، انصاف، انسانیت، شجاعت و جدیت و سخت‌گیری. سون تزو، همچنین فرمانده و استراتژیست حاذق و زبردست را کسی می‌داند که بتواند لشکر دشمن را بدون درگیری نظامی به تسلیم وادارد و شهرها را بدون جنگ و خونریزی تصرف کند. (ازغندی، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۱)

---

۱ - این عنوان، از مقاله «طراحی مدل راهبردی فرماندهی نظامی براساس آموزه‌های امیرالمؤمنین، امام علی(ع) در نهج‌البلاغه»، منتشرشده در فصلنامه مدیریت نظامی(۱۳۹۹)، اقتباس شده‌است.

فایلدن هم بر آن است که فرماندهی، قدرت یا اقتدار به‌دست آمده از رتبه، موقعیت، تجربه یا تخصص شخص مسئول است؛ رهبری هنر، شناخت ویژگی‌های شخصی، دانش، مهارت‌ها برای تأثیرگذاری و الهام بخشیدن به رفتار دیگران برای موفقیت است؛ مدیریت علم، کاربرد فراوان لازم برای دستیابی به هدف است. (Fielder, 2011: 17)

امام علی(ع) نیز در توصیه‌ای به خلیفه دوم در باب اهمیت زمامدار، کلامی والا ایراد فرموده که قابل تسری به فرماندهی نظامی نیز است؛ در این سخن ارزشمند، که فرمانده به نخ تسبیحی تشبیه‌گردیده که دیگر مهره‌ها را منسجم نگه‌می‌دارد، آمده‌است:

«وَ مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَ يَضُمُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَا فِيرِهِ أَبَدًا.» (خ ۱۴۶)

جایگاه کسی که زمام امور را در دست دارد، چون جایگاه رشته‌ای است که مهره‌ها را به هم فراهم‌آورد و برخی را ضمیمه برخی دیگر دارد. اگر رشته بپُرد، مهره‌ها پراکنده‌شود و از میان‌رود و دیگر به تمامی فراهم‌نیاید.

## روش

رویکرد این پژوهش با توجه به مبانی معرفتی آن، که متن‌محور و رفتارشناختی است، رویکردی کیفی، از نوع مطالعه موردی است؛ منظور از پژوهش کیفی، هر نوع پژوهش است که یافته‌هایی تولید کند که با توسل به عملیات آماری یا سایر روش‌های شمارشی، حاصل نیامده‌باشد. موضوع پژوهش کیفی می‌تواند زندگی اشخاص، تجربه‌های زندگی، رفتارها، هیجان‌ها، احساس‌ها و نیز کارهای سازمانی، جنبش‌های اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی و تعاملات میان ملت‌ها یا افراد باشد. (ر. ک: استراوس و کریبن، ۱۳۹۴، ۳۳-۳۲)

به بیان دیگر، پژوهش کیفی، روش منظم برای توصیف اجزای شرایط و ویژگی‌هایی درباره‌ی پدیده‌های انسانی است که قابل تبدیل به کمی نیستند. به عبارتی دیگر، پژوهش کیفی، جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر داده‌های غنی و روایت‌گونه است به منظور درک عمیق مفاهیم و پدیده‌هایی که به‌خاطر وجود عامل انسانی در آن‌ها پیچیدگی زیادی دارند. (شمس معطر، ۱۳۸۸، ش ۱۴۷، ۷)

روش گردآوری اطلاعات نیز، کتابخانه‌ای بوده که مطالعه به این روش، هم در فضای

واقعی و هم در فضای مجازی مورد توجه و استفاده بوده است. حافظ‌نیا، روش‌های کتابخانه‌ای مورد استفاده در فضاهای واقعی و مجازی را عبارت از: متن‌خوانی و فیش‌برداری، آمارخوانی و بهره‌گیری از جداول آماری، تصویرخوانی و استفاده از عکس‌ها و نقشه‌ها، سندخوانی و استفاده از مدارک و مستندات و بالاخره روش ترکیبی که مرکب از چند روش مزبور است، می‌داند. (ر. ک: حافظ‌نیا، ۱۹۴)

به تناسب رویکرد و روش گردآوری پژوهش، روش تحلیل اصلی آن هم، تحلیل محتوای کیفی، از نوع متن‌پژوهی است. بر اساس این رویکرد، گردآوری داده‌ها، زیرساخت پایه‌ای ادراک مفاهیم بوده و با مفهوم سازی و مقوله‌پردازی، الگوی غایی پژوهش ارائه می‌شود. البته روشن است که روش تحلیل محتوای متن، مستلزم تفسیر محقق است؛ زیرا تفسیر، بخش عمده‌ی تحلیل در پژوهش‌های کیفی به‌شمار می‌رود و منطق تفسیر نیز در قبیل این پژوهش‌ها، از نوع استقراء است. تفسیر به‌منظور کشف مفاهیم و رابطه‌ها در داده‌های خام و سازمان‌دادن آن‌ها در قالب یک طرح توضیحی نظری انجام می‌شود. (ر. ک: استراوس و کربین، ۱۳۹۴، ۳۳-۳۲)

علت انتخاب این رویکرد نیز اهمیت کارکردی آن در تحقیقات رفتار شنا سانه در حوزه‌ی علوم انسانی است و نگاهی آسیب‌شناسانه به تحقیق در این حوزه گویای آن است که امروزه تحقیقات علوم انسانی، عمدتاً به روش‌های کمی روی آورده و کلی‌گرایی، باعث غفلت از عمق پژوهش‌های رفتاری و روان‌شناختی و مدیریتی شده است. ظاهراً آمار و ارقام مورد توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران قرار گرفته است؛ اما باید به این نکته توجه داشت که مباحث علوم انسانی و علوم رفتاری با رفتار انسان‌ها در ارتباط است و رفتار، مقوله‌ای بسیار عمیق و نیازمند کاربرد روش‌های کیفی است؛ زیرا انسان‌ها در شرایط مختلف، رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دهند و بر روی این رفتارها، نیازمند توجه دقیق و همه‌جانبه است. لذا توجه بیشتر به استفاده از روش کیفی در تحقیقات علوم انسانی سبب کسب نتایج بهتر و مناسب‌تری خواهد شد. (خنیفیر و همکاران، ۱۳۹۰)

اجزای پژوهش کیفی نیز، سه جزء مشخص است: نخستین جزء هر پژوهش کیفی، داده‌های آن است که داده را می‌توان از منابع مختلف، نظیر مصاحبه، مشاهده، اسناد و

مدارک و فیلم به دست آورد. دوم، ترتیبات عملی یا گام‌هایی‌اند که پژوهشگران می‌توانند از آن‌ها برای تفسیر و سازمان‌دادن به داده‌ها استفاده کنند. این ترتیبات معمولاً تشکیل می‌شوند از مفهوم‌سازی<sup>۱</sup>، تفسیر یا فروگاهی (تأویل) داده‌ها، تعیین مقوله‌ها با استفاده از ویژگی‌ها و ابعاد و در پایان ربط‌دهی یا نسبت‌دهی مقوله‌ها به هم از طریق شماری گزاره‌ی اخباری. مفهوم‌سازی، فروگاهی و مقوله‌پردازی. ربط‌دهی را اغلب کدگذاری<sup>۲</sup> می‌نامند. ترتیبات عملی، بخشی دیگر از فرایند تحلیل است و شامل نمونه‌گیری غیر آماری، نوشتن یادداشت‌های تحلیلی و نمودارسازی می‌شود. سوم، گزارش‌های کتبی و شفاهی، که این گزارش‌ها را می‌توان به صورت مقاله در مجلات علمی و همایش‌ها یا به صورت تک‌نگاشت عرضه کرد؛ (ر. ک: استراوس و کربین، ۱۳۹۴، ۳۴-۳۳) که این هر سه جزء (یعنی، گردآوری داده‌ها، ترتیبات عملی یا گام‌های طی‌شده در جهت ساماندهی مؤلفه‌ها یا مقوله‌ها و ارائه نتیجه در قالب مدل یا الگوی غایی) در پژوهش حاضر، پس از مروری بر تعریف مفاهیم پایه‌ای پژوهش، قابل مشاهده خواهد بود.

پیکره اصلی مطالعه نیز، نهج‌البلاغه است. کتاب نهج‌البلاغه مشتمل بر سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها می‌باشد، لذا در موارد متعدد ارجاعی به نهج‌البلاغه، به ذکر شماره خطبه، نامه یا حکمت اکتفا و از تکرار مکرر عنوان نهج‌البلاغه پرهیز شده است.

### چارچوب نظری

فرایند تبیین ادبیات نظری این‌گونه است که در مرحله شناسایی گزاره‌های اولیه، از راهبرد پژوهش کیفی از نوع موردی و در مرحله تحلیل، به منظور کشف مؤلفه‌ها، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است؛ به این ترتیب که با تمرکز بر دو بُعد معنویت و اخلاق به طور خاص، کشف مؤلفه‌های این ابعاد از اسناد و مدارک قابل دسترس (به‌ویژه نهج‌البلاغه)، مورد توجه قرار گرفته است. کاربست مطالعه چنین بوده است که در گام اول، داده‌های مرتبط با معنویت و اخلاق علوی در قالب فیش‌های اولیه جمع‌آوری و در گام دوم با کدگذاری

<sup>۱</sup> Procedures

<sup>۲</sup> Conceptualizing

<sup>۳</sup> Reducing

<sup>۴</sup> Coding

مفهومی اطلاعات گردآوری شده، مفاهیم بحث استخراج شده‌اند؛ سپس در گام سوم، با ترکیب و تألیف مفاهیم هم‌معنا و دسته‌بندی آن‌ها ذیل یک مقوله مشترک که پوشش معنایی بر مفاهیم تشکیل دهنده خود داشته باشد، مقوله‌ها یا مؤلفه‌های دو بُعد معنویت و اخلاق مشخص شده‌اند. به منظور تسهیل کار، فرایند کدبندی مفاهیم که به صورت انتزاعی از گزاره‌های توصیفی استنباط شده و مؤلفه‌های هر یک از ابعاد مذکور نیز بر اساس آن مفاهیم، شکل گرفته‌اند، در جداولی ترسیم شده‌است.

### نتایج تحقیق

در این بخش به بررسی مؤلفه‌های محوری ابعاد اصلی مطالعه، یعنی معنویت و اخلاق در سیره امام علی (ع) پرداخته شده‌است؛ به این صورت که ابتدا مؤلفه‌های بعد معنویت و سپس مؤلفه‌های بعد اخلاق، به همان روشی که در روش‌شناسی تحقیق و چارچوب نظری گفته شد، مورد مطالعه قرار می‌گیرند:

#### مؤلفه‌های معنویت در سیره فرماندهی امام علی (ع)

چنانکه در تعریف معنویت گفته شد، معنویت عبارت است از باورهای ماورایی و معنوی هر فردی که نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت و هویت ایشان داشته و همه شئون زندگی وی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. معنویت، مؤلفه‌هایی دارد که متناسب با نوع اعتقادات هر فردی در وجود و اندیشه او شکل گرفته و به آثار و عوارض درونی و بیرونی او در احوال و افعال مختلف منتهی می‌شوند. در این بخش از مطالعه، مؤلفه‌های معنویت در سیره فرماندهی نظامی امام علی (ع) مورد مطالعه قرار گرفته‌است:

#### خدا محور

زندگی هر یک از آحاد بشر، بر محوری استوار است که با اعتقادات، باورها، علایق و آمال و اندیشه‌های او گره خورده‌است و تمام کنش و واکنش‌های او در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی، بر مدار آن محور می‌چرخد. کسی که خداوند متعال محور اصلی زندگی اوست، خواست و اراده‌اش را با خواست و اراده الهی منطبق و خود را از هرگونه میل و خواست و خواهش شخصی و نفسانی تهی می‌کند. امیرالمؤمنین (ع)، مصداق تام و تمام آن انسان موحدی است که سراسر حیات نورانیش بر محور خدا استوار بود. آن حضرت، منتهای مقام

کبریایی و عزت را فقط خاص خدا می‌دانست و حضرت باری تعالی را این‌گونه می‌ستود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ الْعَزَّ وَالْكِبْرِيَاءَ وَ اخْتَارَهُمَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَلْقِهِ...» (خطبه ۱۹۲)؛ سپاس و ستایش خدایی را سزااست که بزرگی و ارجمندی را پیرایه خویش ساخت و این دو صفت را به خود اختصاص داد، بی‌آنکه مخلوقاتش، بهره‌ای از این صفات برده‌با شدند. بنابراین نگاه بود که کسی را جز خدا، واجد ارزش نمی‌دانست تا برای آن محور و مبنایی قائل شود. بنابراین، خدامحوری در تمام ابعاد و زوایای زندگی امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، تعیین تام یافته‌بود که مصادیقی از خدامحوری آن حضرت در جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول (۱): داده‌ها، مفاهیم و مؤلفه‌های بُعد معنویت در فرماندهی نظامی امام علی (ع)

بُعد	مؤلفه	کدگذاری مفهومی	گزاره‌های توصیفی
معنویت در فرماندهی نظامی امام علی (ع)	خدامحوری	باور به خدای سبحان به‌عنوان خالق، مالک و مدبر هستی	همانا خداوند سبحان پدیده‌ها را در حالی آفرید که از اطاعتشان بی‌نیاز، و از نافرمانی آنان در امان بود، زیرا نه معصیت گناهکاران به خدا زبانی می‌رساند و نه اطاعت مؤمنان برای او سودی دارد، روزی بندگان را تقسیم، و هر کدام را در جایگاه خویش قرار داد. (خطبه ۱۹۳)
		اعتقاد به مدیریت توحیدی هستی و اصلاح امور منحصراً به مشیت و اراده خداوند متعال	کسی که میان خود و خدا اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد. (حکمت ۸۹) مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی‌گویند، جز آن که خدا آنان را به چیزی زیان‌بارتر دچار خواهد ساخت. (حکمت ۱۰۶)
		رعایت تقوای الهی و عبادت او در آشکار و نهان و امانتداری	خطاب به مختلفان سلیم: او را به ترس از خدا در اسرار پنهانی و اعمال مخفی سفارش می‌کنم، آنجا که هیچ گواهی غیر از او و نماینده‌ای جز خدا نیست و سفارش می‌کنم که مبادا در ظاهر خدا را اطاعت و در خلوت نافرمانی کند و اینکه آشکار و پنهانش و گفتار و کردارش در تضاد نباشد، امانت الهی را پرداخته و عبادت را خالصانه انجام دهد. (نامه ۲۶)
		پرهیز از نافرمانی خدا در همه امور	به خدا سوگو کند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مور چهای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد! (خطبه ۲۲۴)
		زهد از دنیا	این دنیای آلوده شما نزد من از برگ جویده شده ملخ پست‌تر است! علی را با نعمت‌های فنا پذیر و لذت‌های ناپایدار چه کار؟! به خدا پناه می‌بریم از خفتن عقل و زشتی لغزش‌ها و از او

<p>باری می‌جوییم. (خطبه ۲۲۴)</p>			
<p>به خدا سوگند هرگز ملتّی از ناز و نعمت زندگی گرفته نشدند مگر به کیفر گناهایی که انجام داده‌اند، زیرا خداوند بر بندگان خود ستم روا نمی‌دارد. (خطبه ۱۷۸)</p>	<p>تنزیه خداوند از ستم بر بندگان و انتساب بلاها به گناهان انسان</p>		
<p>اگر مردم به هنگام نزول بلاها و گرفته شدن نعمت‌ها، با درستی نیت در پیشگاه خدا زاری کنند و با قلب‌های پر از محبت از خداوند درخواست عفو نمایند، آنچه از دست‌شان رفته باز خواهد گشت و هر گونه فساد یا صلاح خواهد شد. (خطبه ۱۷۸)</p>	<p>توبه و بازگشت به سوی خدا، راه دفع بلا و گرفتاری و اصلاح انسان</p>		
<p>خدایا! تو با دوستانانت از همه انس گیرنده‌تری و برطرف کننده نیازهای توکل‌کنندگانی، بر اسرار پنهانشان آگاه و به آنچه در دل دارند آشنایی و از دیدگاه‌های آنان با خیر و رازشان نزد تو آشکار و دل‌هایشان در حسرت دیدار تو داغدار است. اگر تنهایی و غربت به وحشتشان اندازد، یاد تو آرامشان می‌کند، اگر مصیبت‌ها بر آنان فرود آید، به تو پناه می‌برند و روی به درگاه تو دارند، زیرا می‌دانند که سر رشته کارها به دست تو است و همه کارها از خواست تو نشأت می‌گیرد. (خطبه ۲۲۷)</p>	<p>باور به خداوند، به‌عنوان تنها ملجأ و مأوی انسان و گره‌گشای امور</p>		
<p>خدایا! اگر برای خواستن درمانده شوم یا راه پرسیدن را ندانم، تو مرا به اصلاح کارم راهنمایی فرما و جانم را به آنچه مایه رستگاری من است هدایت کن، که چنین کاری از راهنمایی‌های تو به‌دور و از کفایت‌های تو ناشناخته نیست. (همان)</p>	<p>باور به اصلاح امور و هدایت انسان، فقط به‌دست خدا</p>		
<p>خدایا! مرا با بخشش خود بپذیر و با عدل خویش با من رفتار مکن. (همان)</p>	<p>درخواست بخشش از خدا</p>		

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### معاد باوری

از اصول تعیین‌کننده سبک زندگی باور به معاد است. کسی که هستی را گسترده‌تر از عالم ماده و حقیقت آن را فراتر از پدیده‌های مادی می‌داند و مرگ را نه پایان زندگی، بلکه گذرگاه انتقال از جهان موقت و محدود به جهان جاودان و گسترده می‌شناسد و سعادت‌مندی در آن عالم را مشروط به شایستگی زندگی در این دنیا می‌داند؛ به‌گونه‌ای زندگی می‌کند که از فرصت‌ها و امکانات موجود در این دنیا بیشترین بهره را برای حیات جاوید اخروی خود ذخیره کند و سختی‌ها، ناگواری‌ها و ناکامی‌های زندگی، او را مأیوس و ناامید نمی‌کند.

البته «اعتقاد به زندگی اخروی در صورتی می‌تواند نقش خود را در جهت دادن به



رفتارهای فردی و اجتماعی ایفا کنند که نوعی رابطه علیت بین فعالیت‌های این جهانی و سعادت و شقاوت آن جهانی پذیرفته شود و دست کم، نعمت‌ها و عذاب‌های آخری به‌عنوان پاداش و کیفر برای رفتارهای شایسته و ناشایست این جهان شناخته شود؛ وگرنه، اعتقاد به زندگی آخری، نقش تعیین‌کننده خود را در رفتارهای این جهانی، از دست خواهد داد.» (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷: ۳۴۰)

همین اعتقاد صحیح به معاد و ایمان به مواجهه با خداوند متعال و رسول‌الله (ص) در رستاخیز، باعث شده‌بود که امام‌علی (ع) هیچ‌گاه از مدار حق خارج نشود و برخلاف عدالت عمل نکند، هرچند هزینه سنگینی برای آن پرداخت کند که جدول زیر، نمایانگر برخی از مؤلفه‌های معادباوری آن حضرت است:

جدول (۲): داده‌ها، مفاهیم، و مؤلفه‌های بُعد معنویت در فرماندهی نظامی امام‌علی (ع)

بُعد	مؤلفه	کدگذاری مفهومی	گزاره‌های توصیفی
معنویت در فرماندهی نظامی امام‌علی (ع)	معادباوری	باور به دیدار خدا و پیامبر اسلام در قیامت	سوگند به خدا، اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان (خاری سه شعبه که خوراک شتران است و سخت‌گزنده) به‌سربرم و یا با گل و زنجیر به این سو یا آن سو کشیده شوم، خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم و چیزی از اموال عمومی را غضب کرده‌باشم. (خطبه ۲۲۴)
		توصیه به مراقبت از اعمال از ترس بازخواست خداوند	خطاب به محمدبن‌ابی‌بکر: خداوند از شما بندگان درباره اعمال کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان خواهد پرسید، اگر کیفردهد شما استحقاق بیش از آن را دارید و اگر ببخشد از بزرگواری اوست. (نامه ۲۷)
		بیم‌دادن زبردستان از هولناکی قیامت	خطاب به عثمان‌بن‌حنیف، فرماندار بصره: من نفس خود را با پرهیز کاری می‌پرورانم تا در روز قیامت که مرا سناک‌ترین روزها ست در امان و در لغزشگاه‌های آن ثابت‌قدم‌باشم. (نامه ۴۵)
		اصلاح‌شدن امور دنیا، تابع اصلاح‌کردن امور آخرت	خطاب به مصقله‌بن‌هبیره‌شیبانی فرماندار (فیروزآباد): حق پروردگارت را سبک مشمار و دنیا را با نا بودی دنیا آباد نکن که اگر چنین کنی [زیانکارترین انسانی]. (نامه ۴۳)

<p>کسی که امور آخرت را اصلاح کند، خدا امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد و کسی که از درون جان واعظی دارد، خدا را بر او حافظی است. (حکمت ۸۹)</p>			
<p>به خدا سوگند، برادرم عقیل را دیدم که به شدت تهیدست شده و از من درخواست داشت تا یک من از گندم‌های بیت‌المال را به او ببخشم. کودکانش را دیدم که از گرسنگی دارای موهای ژولیده، و رنگشان تیره شده، گویا با نیل رنگ شده بودند. پی در پی مرا دید و درخواست خود را تکرار می‌کرد، ... روزی آهنی را در آتش گداخته به جسمش نزدیک کردم تا او را بیازمایم، پس چونان بیمار از درد فریاد زد و نزدیک بود از حرارت آن بسوزد. به او گفتم، ای عقیل، گریه کنندگان بر تو بگیرند، از حرارت آهنی می‌نالی که انسانی به بازیچه آن را گرم ساخته است؟ اما مرا به آتش دوزخی می‌خوانی که خدای جبارش با خشم خود آن را گداخته است؟ تو از حرارت ناچیز می‌نالی و من از حرارت آتش الهی ننالم؟ (خطبه ۲۲۴)</p>	<p>باور به معاد و عذاب آخرت، مانع از دست‌اندازی به بیت‌المال</p>		
<p>نفرین بر شما کوفیان! که از فراوانی سرزنش شما خسته شدم. آیا به جای زندگی جاویدان قیامت به زندگی زودگذر دنیا رضایت دادید؟ (خطبه ۳۴)</p>	<p>نکوهش رضایت به دنیا به جای آخرت</p>		
<p>به راستی که دنیا [به شما] پشت کرده و بانگ جدایی سرداده و آخرت رو به سویتان نهاده و از آمدنش آگاهتان کرده‌است. آگاه باشید که امروز ادنیاء، روز پرورش یا فتن برای قیامت و فردا [آخرت]، روز پیشی گرفتن از هم است. برنده، رو به بهشت می‌نهد و بازنده، تن به آتش دوزخ می‌سپارد. (خطبه ۲۸)</p>	<p>باور به رویارویی با آخرت</p>		
<p>به یقین، محبوب‌ترین چیزی که علاقه‌مند به آن هستم، مرگ است. (خطبه ۱۸۰)</p>	<p>محبوب‌داشتن مرگ</p>		
<p>بندگان خدا! از مرگ و نزد یک‌بودن آن بترسید و ساز و برگ آن را آماده کنید؛ زیرا مرگ با کاری بزرگ و امری خطیر می‌آید؛ با خیری که هرگز شری در آن نیست یا شری که هرگز خیری در آن نیست. (نامه ۲۷)</p>	<p>توصیه به آماده شدن برای مرگ</p>		

<p>شما مردم رانده شدگان مرگ می‌باشید؛ اگر برابرش بایستید، شما را در رباید و اگر از چنگش بگریزید، شما را بگیرد و مرگ از سایه به شما همراه‌تر است و به موهای پیشانی شما گره‌خورده‌است و بساط دنیا در پی شما پیچیده می‌شود. (نامه ۲۷)</p>	<p>تأکید بر گریزناپذیر بودن مرگ</p>		
--	-------------------------------------	--	--

### ۱-۳- ولایت‌مداری

امام (ع) تحت ولایت الهی زندگی می‌کرد و لحظه‌ای از اطاعت پروردگار و تبعیت از ولی خدا حضرت نبی اکرم (ص) منحرف نگردید. گواه آن این سخن حضرت است که می‌فرماید: «وَلَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفَظُونَ مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ (ص) أَنِّي لَمْ أَرِدْ عَلَى اللَّهِ وَ لَا عَلَى رَسُولِهِ سَاعَةً قَطُّ وَ لَقَدْ وَ سَيِّئُهُ بِنَفْسِي فِي الْمَوَاطِنِ الَّتِي تَنْكُصُ فِيهَا الْأَبْطَالُ وَ تَتَأَخَّرُ فِيهَا الْأَقْدَامُ نَجْدَةً! أُوْ كَرَّمَنِي اللَّهُ بِهَا. (خطبه ۱۹۷)؛ اصحاب و یاران حضرت محمد (ص) که حافظان اسرار اویند، می‌دانند که من حتی برای یک لحظه هم مخالف فرمان خدا و رسول او نبودم، بلکه با جان خود پیامبر (ص) را یاری کردم. در جاهایی که شجاعان قدم‌هایشان می‌لرزید و فرار می‌کردند؛ آن دلیری و مردانگی را خدا به من عطا فرمود. بنابراین، ولایت‌مداری آن حضرت بر محور ولایت الهی و رسول برگزیده او بود که به برخی از شئون ولایت‌مداری آن حضرت در جدول زیر اشاره شده‌است:

جدول (۳): داده‌ها، مفاهیم، و مؤلفه‌های بُعد معنویت در فرماندهی نظامی امام علی (ع)

بُعد	مؤلفه	کدگذاری مفهومی	گزاره‌های توصیفی
<p>معنویت در فرماندهی نظامی امام علی (ع)</p>	<p>ولایت‌مداری</p>	<p>علی (ع)، اولین ایمان آورنده به خدا و اولین تصدیق‌کننده رسول خدا (ص)</p>	<p>به من خبر رسیده که می‌گویید؛ علی دروغ می‌گوید! خدا مرگتان دهد! من نخستین کسی بودم که به خدا ایمان آورد و به پیامبرش گروید و نیز اولین کسی بودم که پیامبر را تصدیق کرد؛ (خطبه ۷۱)</p>
		<p>تأیید الهی بر ولایت‌مداری امام</p>	<p>امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام وقتی در لیله‌المبیت در بستر پیامبر اکرم (ص) آرمید تا جان او را در مقابل دسیسه و شیخون مشرکان مکه حفظ نماید، خدای سبحان در شأن ایشان این آیه کریمه را نازل فرمود:</p>

<p>«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (بقره: ۲۰۷)»</p> <p>بعضی از مردم، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.</p>	<p>علی(ع) با عنایت به واقعۀ لیلیۀ المبیت</p>		
<p>پیامبر اکرم(ص)، خطاب به مردم فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَشْكُوا عَلَيَّ فَوَ اللَّهُ إِنَّهُ لَأَحْسَنُ فِي ذَاتِ اللَّهِ مِنِ انْ يُشْكِي.» مردم از علی شکوه نکنید که به خدا سوگند او در راه خدا شدیدتر از این است که کسی درباره وی شکایت کند.» (مطهری، ۱۳۹۱: ۶۸)</p>	<p>تأیید پیامبر(ص) بر ولایت‌مداری امام علی(ع)</p>		
<p>وقتی از امام علی(ع) در خصوص مقایسه مرتبه او با پیامبر(ص) پرسیدند، فرمود: «أنا عبدٌ من عبید محمد(ص)»: من غلامی از غلامان پیامبرم؛ (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۲۳۴)</p>	<p>اعتراف به تبعیت محض از رسول‌الله(ص)</p>		
<p>خطاب به مردم مصر در پیروی از مالک اشتر: آنجا که با حق است، سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید. (نامه ۳۸)</p> <p>نکوهش اهل شام به خاطر پیروی از مخلوق با نافرمانی از خالق: بنده را در نافرمانی از خدا، فرمان می‌برند؛ (نامه ۳۳)</p>	<p>منطبق کردن فرامین بر میزان حق</p>		
<p>ما به قضای خداوند رضایت دادیم و به حکمش گردن نهادیم. آیا مرا می‌بینید که به رسول خدا(ص) دروغ ببندم؟ قسم به خدا قطعاً نخستین کسی بودم که او را تصدیق کرد پس نخستین کسی نخواهم بود که بر او دروغ بست و او را تکذیب کرد. پس لحظه‌ای در امر خلافت خویش اندیشه کردم و دیدم پیروی از دستور پیامبر(که فرمود: اگر کار به جدال کشید، سر فرود آرم) بر من واجب است. پس بر اساس پیمانی که با آن بزرگواری بسته بودم، به بیعت با این و آن تن دادم. (خطبه ۳۷)</p>	<p>سکوت امام علی(ع) به خاطر رضایت به قضای الهی و عمل به میثاق با پیامبر(ص)</p>		
<p>محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند، کسی است که از پیامبرش سرمشق گیرد و قدم به جای قدم او گذارد؛ (خطبه ۱۶۰)</p>	<p>تأسی به پیامبر(ص) و قدم بر جای قدم او نهادن</p>		
<p>برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین که خیر خواهی او برای خدا و پیامبر و امام تو بیشتر باشد.</p>	<p>خیر خواهی برای خدا و پیامبر و امام،</p>		

(نامه ۵۳)	معیار گزینش فرماندهان	
بزرگان از اصحاب محمد(ص) - که حافظ قرآن و سنت او هستند و به اسرارش آگاهند - می‌دانند؛ من هرگز ساعتی از فرمان خدا و رسول او دورنمانده‌ام. (خطبه ۱۸۸)	فرمانبری پیوسته از خدا و رسول خدا(ص)	
در پی او بودم، چنان که شتر بچه در پی مادر. هر روز برای من از اخلاق خود، نشانه‌ای بر پا می‌داشت و مرا به پیروی آن می‌گماشت. (خطبه ۱۹۲) علی(ع) چنان با پیامبر(ص) همراه بود که هر گاه آن حضرت از شهر خارج می‌شد و به کوه و بیابان می‌رفت، او را همراه خود می‌برد. (شهادی، ۱۳۷۸: ۲)	همراهی مداوم با پیامبر(ص)	

### مؤلفه‌های اخلاق در سیره فرماندهی امام علی(ع)

اخلاق، صفات و ویژگی‌های پایدار در نفس است که منشأ صدور افعال اختیاری انسان می‌شود و حُسن خلق، از جمله صفات ثابت مؤمن است و ملکات درونی او را شکل داده‌اند. چنانکه امام علی(ع) در ارتباط با صفات مؤمن می‌فرماید: «حُسْنُ الْخُلُقِ خَيْرٌ قَرِينٍ وَ عُنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُسْنُ خُلُقِهِ.»؛ حُسن خلق، بهترین همنشین است و بر سرلوحه عمل مؤمن، حُسن خلق او نوشته شده است؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۰)

امیرالمؤمنین(ع)، خود نیز امیر و امام حُسن خُلُق بود و همه فضیلت‌های اخلاقی، در وجود مقدسش، جمع شده بود.

اخلاق هر فرد، زیربنای دیگر فضایل یا رذایلی است که از او صادر می‌شود و اخلاق امام علی(ع) نیز از این قاعده خارج نبود؛ لذا اخلاق فاضله او بر تمام شئون زندگی نورانیش سایه افکنده و تمام زمینه‌های فعالیتش را درخشان کرده بود. در این مبحث، بخشی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاقی آن حضرت که فرماندهی نظامی آن حضرت و بسیاری فضایل دیگر نیز مستظهر به آن‌ها و منبعث از آن‌ها می‌باشد، ارائه می‌شود:

### اخلاص

«اخلاص از ماده «خلص» است و به معنای تصفیه و پاک کردن شیء از ناخالصی و

اختلاط است. تعبیر «اخلاص» ناظر به صدور فعل و نسبت آن به فاعل است و صیغه «تخلیص» نظر به وقوع فعل و نسبت آن به مفعول دارد. اخلاص از ناحیه عبد نسبت به خداوند عزوجل به معنای خالص ساختن از شائبه‌ها و توحید در توجه به خداوند و انقطاع از غیر اوست و اخلاص از ناحیه خداوند نسبت به عبد به معنی خالص ساختن تکوینی و برگزیدن عبد از بین سایر بندگان است، به جهت صفات ممتاز و استعداد خاص او و شرح صدری که او را لایق ولایت و رسالت و حقیقت ایمان و انوار معرفت ساخته است. این معنا در آیاتی که کلمه مخلص به فتح لام در صیغه مجهول به کار رفته اراده شده است. مثل آیه کریمه «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» (حجر: ۴۰). مراد از مخلصین، بندگان است که خداوند تکویناً برگزیده است؛ (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۳: ۱۱۴).

«خداوند متعال انسان را به عبودیت خالص خویش مکلف کرده است، چنانچه می‌فرماید: «وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ». (بینه: ۵) منطوق آیه کریمه دلالت می‌کند بر اینکه انسان فقط مأمور به عبادت خالصانه خداوند متعال شده است و مفهوم آیه از آنجا که امر به شیء نهی از ضد آن است و یا مستلزم نهی از ضد آن می‌باشد، همانطور که در علم اصول، تقریر و ثابت شده است؛ پس هر عملی که خالص برای خدا نباشد، نهی شده و فاسد است.» (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۱۶۹)

امام علی (ع)<sup>۴</sup>، به تمام جوانب معنایی اخلاص متصف بود و جدول زیر، نشانگر بخشی از زوایای این صفت امیرالمؤمنین (ع) است:

جدول (۴): گزاره‌ها، مفاهیم، و مؤلفه‌های بُعد اخلاق در فرماندهی نظامی امام علی (ع)

بُعد	مؤلفه	کدگذاری مفهومی	گزاره‌های توصیفی
اخلاق در فرماندهی نظامی	اخلاص	اوج عزت در عبودیت خدا و نهایت افتخار، در مربوبیت انسان	امام علی (ع): خدا یا در عزیز بودن من همین کافی است که من بنده توام و در افتخار من همین بس که تو پروردگار منی، تو همان گونه‌ای که من دوست دارم. من را آنگونه قرار ده که تو دوست داری؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۴۰۰)

<p>بندگان خدا! همانا بهترین و محبوب‌ترین بنده نزد خدا، بنده‌ای است که خدا او را در پیکار با نفس یاری داده‌است؛ ... خود را به عدالت واداشته و آغاز عدالت او آن که، هوای نفس را از دل بیرون رانده است. (خطبه ۸۷)</p>	<p>پیکار با نفس</p>	
<p>آن کس که جامه زیرین او اندوه و لباس رویین او ترس از خداست... برای خدا اعمال خویش را خالص کرده آن چنان که خدا پذیرفته است. (همان)</p>	<p>اندوه از عاقبت و خوف از خدا</p>	
<p>محبوب‌ترین بنده نزد خدا، بنده‌ای است که ... حق را می‌شناساند و به آن عمل می‌کند. کار خیری نیست مگر اینکه به آن قیام می‌کند و در هیچ جا گمان خیری نبرده جز آن که به سوی آن شتافته‌است. (همان)</p>	<p>شناخت حق و عمل به آن</p>	
<p>سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام‌نمی‌کردند و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهاپیش می‌ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم، آنگاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است. (خطبه ۳)</p>	<p>خداوند متعال، محور و مبنای تمام ارزش‌ها و فاقد ارزش دیدن ماسوی الله</p>	
<p>آگاه باشید، اگر دعوت شما را بپذیریم، بر اساس آنچه که می‌دانم با شما رفتار می‌کنم و به گفتار این و آن و سرزنش سرزنش‌کنندگان گوش فرامی‌دهم. اگر مرا رها کنید چون یکی از شما هستم که شاید شنواتر و مطیع‌تر از شما نسبت به رئیس حکومت باشم، در حالی که من وزیر و مشاورتان باشم، بهتر است که امیر و رهبر شما گردم. (خطبه ۹۲)</p>	<p>ارزشی عمل کردن بی‌توجه به گفتار و سرزنش دیگران</p>	
<p>خالصانه با کسان و نزدیکان خود می‌ایستادیم و برای خدا مبارزه می‌کردیم. وقتی در راه خدا با اخلاص و صادقانه عمل کردیم و خدای متعال این را از ما دید،</p>	<p>جنگ و مبارزه فقط برای خدا</p>	

<p>دشمن ما را سرکوب کرد و ما را پیروز نمود. اگر این طور نبود، این کارها انجام نمی‌شد، شاخه‌ای از ایمان سبز نمی‌شد و یک پایه دین برپا نمی‌ماند؛ (خطبه ۵۶)</p>			
<p>کار بدی که ترا ناراحت و پشیمان کند، نزد خدا بهتر است از کار نیکی که تو را مغرور سازد. (حکمت ۴۶)</p>	<p>مغرور نشدن به عبادت و اعمال صالح</p>		
<p>با وجود اخلاص، بصیرت‌ها و بینش‌ها نافذ و نورانی می‌شود. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق. ۹۳)</p>	<p>باور به نورانی و نافذبودن بصیرت در پرتواخلاص</p>		
<p>کار و عمل آدمی پوچ و بی‌ثمر است جز آنچه خالص باشد. (همان: ۷)</p>	<p>باور به مانایی عمل خالصانه</p>		

### حق‌مداری

راغب در معنای واژه «حق» می‌گوید: «اصل حق مطابقت و یکسانی و هماهنگی و درستی است. مثل مطابقت پایه درب در حالیکه بر پاشنه خود با استواری و درستی می‌چرخد.» (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۶). در کتب لغت، حق به معنای عدل، اسلام، قرآن و خدا آمده است. در واقع این موارد از مصادیق و استعمالات کلمه حق است، نه معنای آن. حق طبق سخن راغب آن چیزی است که سزوار است، وجود داشته باشد و درست است.

امام علی<sup>(ع)</sup> در مقام بیان ویژگی حق و باطل بیانی دارد که شاهد بر صحت معنای اخیر است؛ ایشان می‌فرماید: «إِنَّ الْحَقَّ ثَقِيلٌ مَرِيءٌ وَإِنَّ الْبَاطِلَ خَفِيفٌ وَبِيءٌ.» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۹: ۳۱۳) «مری» به معنای غذای خوش طعم و مقوی است، غذایی که انسان را سیر می‌کند و «وبی» یعنی غذای مریض‌کننده و طعام فاسد.

حق ثقیل است و پذیرش آن برای انسان سنگین و دشوار است؛ زیرا انسان در دامان طبیعت و مادیت متولد می‌شود و رشد می‌کند. خاصه‌های طبیعی و حیوانی او که به‌طور



قهری فعلیت می‌یابد، همسو با نشئه طبیعت است. در نتیجه اجابت تمایلات طبیعی و هواهای نفسانی سهل و آسان است. اما تحمل حق که غالباً با تمایلات طبیعی ناسازگار است، برای انسان طبیعی، سخت و پذیرش تلخ است. چنانکه رسول الله می‌فرماید: «الْحَقُّ ثَقِيلٌ مُرٌّ، وَ الْبَاطِلُ خَفِيفٌ حَلْوٌ.» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۳۳)؛ حق سنگین و تلخ است، در حالی که باطل سبک و شیرین است.

گاه تمایلات نفسانی به گونه‌ای بر انسان حکومت می‌کند که نه تنها حق برای او سنگین است، بلکه از ادراک آن ناتوان می‌شود، هرچند بسیار آشکار باشد. امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «مَنْ كَانَ غَرَضُهُ الْبَاطِلَ لَمْ يُدْرِكِ الْحَقَّ وَ لَوْ كَانَ أَشْهَرَ مِنَ الشَّمْسِ.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۵۵)؛ آنکه غرضش باطل است؛ یعنی دنبال نفسانیات است، نمی‌تواند حق را درک کند، اگرچه حق روشن‌تر و مشهورتر از آفتاب باشد.

امام علی<sup>(ع)</sup> با حق معیت تام داشت؛ چنانکه رسول الله<sup>(ص)</sup> درباره ایشان می‌فرمود: «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَهُ لَأَيْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ.» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۹۶)؛ علی با حق است و حق با او، از هم جدانمی‌شوند تا اینکه در رستخیز، کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. فی‌الجمله اینکه امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، به تمام معنا حق را درک کرده بود و آن را محور و مبنای زندگی سراسر نورانی خود در تمام مسئولیت‌ها و عرصه‌های فردی و اجتماعی خود قرار داده بود که در این مجال، برخی از تجلیات و آموزه‌های حق‌مدارانه آن حضرت ارائه می‌شود:

جدول (۵): گزاره‌ها، مفاهیم، و مؤلفه‌های بُعد اخلاق در فرماندهی نظامی امام علی<sup>(ع)</sup>

بُعد	مؤلفه	کدگذاری مفهومی	گزاره‌های توصیفی
اخلاق در فرماندهی نظامی امام علی <sup>(ع)</sup>	حق‌مداری	عمل بر اساس حق، مبنای رفتار عملی مسلمانان با هم و مشورت به حق، مبنای تعامل فکری	مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او آزاری نبینند، مگر آنجا که حق باشد و آزار مسلمان روا نیست جز در آنچه که واجب باشد. (خطبه ۱۶۷) پس، از گفتن حق، یا مشورت در عدالت خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنیم و از آن ایمن باشیم نمی‌دانیم، مگر آن که خداوند مرا حفظ فرماید. (خطبه)

<p>(۲۱۶) چرا که انسان مبرای از خطا نیست و مشورت و حق گویی دیگران، راه خطا را بر او سدمی کند؛ امام(ع) می فرماید: پس همانا من و شما بندگان و مملوک پروردگاریم که جز او پروردگاری نیست. او مالک ما، و ما را بر نفس خود اختیاری نیست. (همان)</p>	<p>آنان</p>	
<p>امام علی(ع): حق ثقیل است ولی کسانی هستند که خداوند ثقیل بودن حق را برایشان خفیف و آسان می کند. نفوسی که تہذیب شده و به اسارت هواهایشان نرفته اند. منشأ حکومت حق، دوراندیشی آن هاست. چون طلب عاقبت و آخرت را دارند و به راستی وعده های الهی اعتماد کرده اند. پس از آنان باش و از خداوند استعانت طلب. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۴۲)؛</p>	<p>تہذیب نفس، دوراندیشی، آخرت گرای و اعتماد به خدا، موجب تحمل سنگینی حق</p>	
<p>حق گسترده تر از آن است که وصفش کنند، ولی به هنگام عمل تنگنایی بی مانند دارد! حق اگر به سود کسی اجرا شود، ناگزیر به زیان او نیز روزی به کار رود و چون به زیان کسی اجراء شود روزی به سود او نیز جریان خواهد داشت. اگر بنا باشد حق به سود کسی اجراء شود و زبانی نداشته باشد، این مخصوص خدای سبحان است نه دیگر آفریده ها، به خاطر قدرت الهی بر بندگان و عدالت او بر تمام موجوداتی که فرمانش بر آنها جاری است، لکن خداوند حق خود را بر بندگان، اطاعت خویش قرار داده و پاداش آن را دو چندان کرده است، از روی بخشندگی و گشایشی که خواسته به بندگان عطا فرماید. (خطبه ۲۱۶)</p>	<p>باور به طرفینی بودن حق در بین مخلوقات و حق یک طرفه خاص خداوند</p>	
<p>در آستانه جنگ صفین برخی مدارا کردن امام(ع) را دیده، علت آن را از امام پرس و جو کردند. امام در پاسخ آن ها فرمود: اینکه می گوئید، خویشتن داری از ترس مرگ است، بخدا سوگند! باکی ندارم که من به سوی مرگ روم یا مرگ به سوی من آید، و اگر تصور می کنید در جنگ با شامیان تردید دارم، بخدا سوگند! هر روزی که جنگ را به تأخیر</p>	<p>هدایت اهل باطل — حق گرای</p>	

<p>می‌اندازم برای آن است که آرزو دارم عده‌ای از آنها به ما ملحق شوند و هدایت گردند. و در لابه‌لای تاریکی‌ها، نور مرا نگریده‌سته به سوی من بشتابند، که این برای من از کشتار آنان در راه گمراهی بهتر است، گر چه در این صورت نیز به جرم گناهانشان گرفتار می‌گردند. (خطبه ۵۵):</p>		
<p>همانا خدا، راه حق را برای شما آشکار کرد و جاده‌های آن را روشن نگاه‌داشت، پس با شقاوت دامنگیر یا رستگاری جاویدان در انتظار شمامست. (خطبه ۱۵۷)</p> <p>امام علی(ع) فرمود: بین حق و باطل چهار انگشت بیشتر فاصله نیست. از حضرت سؤال کردند منظور شما از این سخن چیست؟ حضرت چهار انگشتش را جمع کرد و بین گوش و چشمش قرار داد و فرمود: باطل این است که بگویی شنیدم و حق این است که بگویی دیدم؛ (خطبه ۱۴۱)</p>	<p>تأکید بر روشن‌بودن حق</p>	
<p>خطاب به معاویه: معاویه! اینکه خواستی شام را به تو واگذارم، همانا من چیزی را که دیروز از تو باز داشتم، امروز به تو نخواهم بخشید و اما در مورد سخن تو که جنگ، عرب را جز اندکی، به کام خویش فروبرده‌است؛ آگاه باش! آن کس که بر حق بود، جایگاهش بهشت و آن که بر راه باطل بود در آتش است. (نامه ۱۷)</p>	<p>اعتقاد به فضیلت کشته شدن برای پاسداری از حق</p>	
<p>«لَا يَجْتَمِعُ الْبَاطِلُ وَالْحَقُّ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۷۳).</p> <p>چگونه می‌شود کسی از باطل جدا شود، اما به حق متصل نگردد. (همان: ۵۱۸)</p> <p>امام علی(ع) دربارهٔ آنان که از جنگ جمل کناره‌گرفتند، فرمود: حق را خوار کرده، باطل را نیز یاری نکردند. (حکمت ۱۸)؛ یعنی، در تقابل حق و باطل، بیطرفی مفهوم و محلی ندارد؛ یا باید در جبههٔ حق بود و در سپاه باطل.</p>	<p>قابل جمع نبودن حق و باطل</p>	
<p>پایبند حق باش! این ایستادگی و پایداری تو را به جایگاهی که اهل حق در آن هستند می‌رساند. در آن روزی</p>	<p>تأکید بر محوریت حق و</p>	

<p>که جز حق قضاوت نمی‌شود. ( تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ۱۳۸ )          اگر به حق رو کنید، هرچند به سختی گرفتار شوید،          بهتر از آن است که با باطل راحت باشید؛ (همان: ۴۶۳)          ابن عباس می‌گوید: پس از جنگ بصره در ذی قار          خدمت امام‌علیه‌السلام رفتیم که داشت کفش خود را پینه          می‌زد تا من را دید فرمود، قیمت این کفش چقدر است؟          گفتیم ارزشی ندارد، حضرت فرمود: به خدا سوگند، همین          کفش بی‌ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوب‌تر است          مگر اینکه حقی را با آن به پا دارم، یا باطلی را دفع نمایم.          (خطبه ۳۳)</p>	<p>فرماندهی و          مدیریت برای          اقامه حق و دفع          باطل</p>		
<p>در میان حقوق الهی، بزرگ‌ترین حق، حق زمامدار بر          مردم و حق مردم بر زمامدار است، حق واجبی که خدای          سبحان، بر هر دو گروه لازم‌شمرد و آن را عامل پایداری          پیوند مردم و زمامدار و عزت دین قرار داد. ... آنگاه که مردم          حق زمامدار را اداء کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق          در آن جامعه عزت یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های          عدالت بر قرار و سنت پیامبر(ص) پایدار گردد، پس روزگار          اصلاح‌شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در          آرزوهایش مأیوس می‌گردد. (خطبه ۲۱۶)</p>	<p>معرفی حق          متقابل زمامدار          و مردم به‌عنوان          بزرگترین فریضه          الهی</p>		
<p>درست است که هیچ کس نمی‌تواند حق اطاعت          خداوندی را چنانکه باید بگذارد، هر چند در به‌دست‌آوردن          رضای خدا حریص باشد و در کار بندگی تلاش فراوان نماید،          لکن باید به مقدار توان، حقوق الهی را رعایت کند که یکی از          واجبات الهی، یکدیگر را به اندازه توان نصیحت کردن و بر پا          داشتن حق، یاری دادن یکدیگر است. (خطبه ۲۱۶)</p>	<p>تأکید بر          تعامل مؤمنان          و یاری          دادن یکدیگر          در عمل به          حق</p>		

### عدالت‌محوری

عدل، حد میانه افراط و تفریط است، به‌گونه‌ای که زیاده و نقیصه در آن نباشد. عدالت شرط درستی، حقانیت و صداقت در هر موضوعی است. هرچیزی که در آن عدالت و اخلاص

باشد به حق، تمام و کامل تحقق یافته و جمیع آثارش بر آن مترتب می‌گردد. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۸: ۶۴)

راغب می‌گوید: «عَدَلٌ» و «عَدِلٌ» در معنی به هم نزدیک هستند. عَدَلٌ در چیزهایی است که با بصیرت و آگاهی درک می‌شود و به کار می‌رود... ولی واژه عَدِلٌ و عدیل، در چیزهایی است که با حواس درک می‌شوند، مثل اوزان، اعداد و پیمان‌ها. عَدِلٌ، تقسیط بر اساس راستی و کمال است، از این رو روایت شده است که «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۵۱)

امام علی (ع) در معنای عدل می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»؛ (حکمت ۴۳۷): عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد.

از مقایسه معنای عدل با حق به دست می‌آید که این دو واژه اگرچه به لحاظ مفهوم متفاوتند، اما در مصداق مشترکند و هر موردی که از مصادیق و افراد حق یا عدل است، مصداق دیگری نیز می‌باشد؛ زیرا اگر چیزی در جای خود قرار گیرد، پس سزاوار و درست تحقق یافته و حق است و اگر امری سزاوار و درست واقع شود، به یقین در جای خود قرار گرفته و عدل است. در نتیجه اوصاف و ویژگی‌هایی که در باب حق‌مداری بیان شد، نسبت به عدالت‌محوری نیز صادق است. از این رو در این بخش به اجمال به بحث عدالت‌محوری پرداخته شده است.

ظلم، که نقطه مقابل عدالت است، منافی با ایمان و مزاحم اثرگذاری آن است؛ اگر ایمان انسان، کامل و مبرای از ظلم باشد، آرامش وی کامل و بی‌نقص خواهد بود. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ.» (انعام: ۸۲): کسانی که ایمان آوردند، و ایمان خود را با ستمی نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست و آنها هدایت‌یافتگانند.

پس عدالت تکلیف اعتقادی انسان مؤمن و مطالبه خداوند متعال از مدعی ایمان است. چنانچه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.» (مائده: ۸): ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری

نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است!

«امام علی(ع)، عدالت را یک تکلیف و وظیفه الهی بلکه ناموس الهی می‌داند، هرگز روا نمی‌شمارد که یک مسلمان آگاه به تعلیمات اسلامی تماشاچی صحنه‌های تبعیض و بی‌عدالتی باشد.» (مطهری، ۱۳۵۴: ۱۱۴) به بیان دقیق‌تر، امام علی(ع) که امیر و صدرنشین همه مؤمنان است، چنانکه ابن عباس از پیامبر اسلام(ص) نقل می‌کند که: آیه‌ای نازل نشد که در آن خطاب «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» باشد، مگر آنکه مُصَدَّر خطاب، علی بن ابیطالب بود، بیش از همه به رعایت عدالت، التزام داشت و کارگزاران را نیز به مراعات جوانب مختلف عدالت در امور مختلف فرمان می‌داد که در این بخش از بحث، به پاره‌ای از مصادیق عدالت محوری آن حضرت اشاره می‌شود:

جدول(۶): گزاره‌ها، مفاهیم، و مؤلفه‌های بُعد اخلاق در فرماندهی نظامی امام علی(ع)

بُعد	مؤلفه	کدگذاری مفهومی	گزاره‌های توصیفی
اخلاق در فرماندهی نظامی امام علی(ع) عدالت محوری	عدالت محوری	فرمان به رعایت عدالت به خاطر ثواب پرهیز از ستم نه بخاطر ترس از کیفر	اگر خداوند برای ستم و بیدادگری کیفری قرار نمی‌داد که از آن بترسند، ثوابی قطعی که در پرهیز از ستم کاری د، عذری برای نخواستن آن باقی نمی‌گذارد»، زیرا عدالت جان جامعه و حیات قانون و رستگاری و کرامت همگان است.. (نامه ۵۱)
		تأکید بر دوری از ستمکاری و سخت‌گیری بی‌جا	خطاب به زیاد بن ابیه، جانشین حاکم بصره: در کارها عدالت پیشه‌کن و از سخت‌گیری و ستم‌گری بپرهیز! چرا که سخت‌گیری بی‌جا، مردم را به آوارگی کشاند و ستم‌کاری و بیدادگری، مردم را به شمشیر کشیدن(علیه حاکم و فرمانروا) دعوت می‌کند؛ (حکمت ۴۷۶)
		التزام عملی به فرامین- خود پیش از صدور دستور	ای مردم! به خدا من شما را به طاعتی بر نمی‌انگیزم جز که خود پیش از شما به گزاردن آن برمی‌خیزم و شما را از معصیتی باز نمی‌دارم جز آن که پیش از شما آن را فرومی‌گذارم؛ (خطبه ۱۷۵)
		بهره‌برداری از امکانات در حد ضعیف‌ترین زیردست	آیه درستی! که خدا بر پیشوایان دادگر واجب فرموده خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا مستمندی، تنگدست را به هیجان نیارند و به طغیان و اندارند؛ (خطبه ۲۰۹)
		برابری در نیکو کار و بدکار و میزان تلاش	خطاب به مالک اشتر: مبدا نیکوکار و بدکار در دیده‌ات برابر آید که آن، رغبت نکوکار را در نیکی کم و بدکار را به بدی بیشتر وادار نکشاند... و رنج کسانی را که کوششی کرده‌اند بر زبان آر که فراوان کار نیکوی آنان را یاد کردن، دلیر را برانگیزاند و

تحلیلی بر مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در ... / ۱۲۵

<p>ترسان بد دل را به کوشش مایل گرداند ان شاءالله. نیز مقدار رنج هر یک را در نظر دار و رنج یکی را به حساب دیگری مگذار و در پاداش او به اندازه رنجی که دیده و زحمتی که کشیده، تقصیر مبار و میداد بزرگی کسی موجب شود که رنج اندک او را بزرگ شماری و فرودی رتبه مردی سبب شود کوشش وی را خوار به حساب آری؛ (نامه ۵۳)</p>	<p>مبنای پاداش نه بزرگی و خردی جایگاه</p>	
<p>سوگند به خدا، من دست ستمگر را از سر ستم دیده کوتاه می‌کنم و از روی عدل و انصاف حکم می‌کنم و چنگ در حلقه بینی ستمگر می‌افکنم و با همه کراهتی که او دارد، وی را کشان کشان به آبخور حق و عدالت خواهیم کشانید؛ (خطبه ۱۳۶)</p>	<p>کوتاه کردن دست ستمگر از سر ستم دیده</p>	
<p>اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مه‌شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، ره‌ایش می‌ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم؛ (خطبه ۳)</p>	<p>پذیرش خلافت برای جلوگیری از شکم‌بارگی ظالم و گرسنگی مظلوم</p>	
<p>آگاه باشید! بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند، زیاده روی و اسراف است. ممکن است در دنیا مقام بخشنده آن را بالا برد، اما در آخرت پست خواهد کرد. در میان مردم ممکن است گرامی‌اش بدارند، اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است؛ (خطبه ۱۲۶)</p>	<p>قربانی نکردن عدالت به خاطر مصلحت</p>	
<p>وقتی به امام (ع) گفتند که مردم به دنیا دل بسته‌اند و معاویه با هدایا و پول‌های فراوان آن‌ها را جذب می‌کند، شما هم از اموال عمومی به اشرف عرب و بزرگان قریش ببخش و از تقسیم مساوی بیت‌المال دست بردار تا به تو گرایش پیدا کنند؛ فرمود: آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم در باره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند، تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد؛ (خطبه ۱۲۶)</p>	<p>عدالت محور تمام مناسبات و انتصاب‌ها</p>	
<p>خطاب به محمدبن ابی‌بکر: در نگاه‌هایت و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند، زیرا خداوند از شما بندگان در باره اعمال کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان خواهد پرسید؛ (نامه ۲۷)</p>	<p>رعایت عدالت حتی در نگاه کردن به زیردستان</p>	

## جمع‌بندی مباحث

در جمع‌بندی آنچه که در این مطالعه پیرامون مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در سیره فرماندهی نظامی امام علی(ع) گذشت و با مقایسه و مقابله با نتایجی که پیش‌تر در پیشینه مطالعاتی این نگارش گذشت، بر می‌آید که در هیچ یک از تحقیق‌های گذشته، دسته‌بندی روشنی از مفاهیم و مؤلفه‌های این ابعاد به عمل نیامده است. مطالعات پیشین، به رغم سعی بلیغ و ارزشمند پژوهشگران، بیشتر به صورت توصیفی و مزجی بوده‌اند؛ یعنی، یا معنویت و اخلاق را تعریف و آثار آن را به‌طور کلی در اجتماع یا حاکمیت و یا در یک مجموعه نظامی، بررسی و نتایجی به‌دست‌داده‌اند و یا کنار ابعاد دیگر، تعریف و تبیین کرده‌اند.

اما فرایند تحلیل این مقاله مشخص نمود؛ دست کم ۶۰ مفهوم معنوی و اخلاقی از سیره آن امام‌علی(ع) در حوزه فرماندهی نظامی قابل ارائه است که از آن مفاهیم نیز، ۶ مؤلفه به‌صورت انتزاعی استنباط می‌شود که جداول ذیل نمایانگر مؤلفه‌ها و مفاهیم دو بُعد معنویت و اخلاق در سیره فرماندهی امیرالمؤمنین(ع) در حوزه نظامی است؛ شایان ذکر است که نتایج پژوهش‌های ذکرشده در پیشینه بررسی شد و مشخص گردید که در هیچ یک از آن‌ها، نه دسته‌بندی مشخصی از ابعاد و مؤلفه‌های فرماندهی نظامی به عمل نیامده و روش گردآوری این تحقیق نیز روشی نو در تجزیه و تحلیل مباحث دینی، بویژه در ارتباط با مباحث نظامی است.

جدول (۷): مفاهیم و مؤلفه‌های بُعد معنویت در فرماندهی نظامی امام علی(ع)

مؤلفه‌ها	ابعاد	مفاهیم	مؤلفه‌های معنویت در فرماندهی نظامی امام
خدا‌محوری	معنویت	باور به خدای سبحان به‌عنوان خالق، مالک و مدبر هستی	
		اعتقاد به مدیریت توحیدی هستی و اصلاح امور منحصرأ به مشیت و اراده خداوند متعال	
		رعایت تقوای الهی و عبادت او در آشکار و نهان و امانتداری	
		پرهیز از نافرمانی خدا در همه امور	
		زهد از دنیا	
		تنزیه خداوند از ستم بر بندگان و انتساب بلا یا به گناهان انسان	
		توبه و بازگشت به سوی خدا، راه دفع بلا و گرفتاری و اصلاح	



تحلیلی بر مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در ... / ۱۲۷

انسان				
باور به خداوند، به‌عنوان تنها ملجأ و مأوی از سان و گره‌گ‌شای امور				
باور به اصلاح امور و هدایت انسان، فقط به‌دست خدا				
درخواست بخشش از خدا				
باور به دیدار خدا و پیامبر آ‌سلام در قیامت	معاد: باوری			
توصیه به مراقبت از اعمال از ترس بازخواست خداوند				
بیم‌دادن زیردستان از هولناکی قیامت				
اصلاح‌شدن امور دنیا، تابع اصلاح‌کردن امور آخرت				
باور به معاد و عذاب آخرت، مانع از دست‌اندازی به بیت‌المال				
نکوهش رضایت به دنیا به‌جای آخرت				
باور به رویارویی با آخرت				
محبوب‌داشتن مرگ				
توصیه به آماده‌شدن برای مرگ				
تأکید برگریزناپذیر بودن مرگ				
علی(ع)، اولین ایمان آورنده به خدا و اولین تصدیق‌کننده رسول خدا(ص)		ولایت‌مداری		
تأیید الهی بر ولایت‌مداری امام علی(ع) با عنایت به واقعه‌لیة‌المبیت				
تأیید پیامبر(ص) بر ولایت‌مداری امام علی(ع)				
تنزل دادن خود در حد غلام رسول‌الله(ص)				
منطبق کردن فرامین بر میزان حق				
سکوت علی(ع) به خاطر رضایت به قضای الهی و عمل به میثاق با پیامبر(ص)				
تأسی به پیامبر(ص) و قدم بر جای قدم او نهادن				
خیرخواهی برای خدا و پیامبر و امام، معیار‌گزینش فرماندهان				
فرمانبری پیوسته از خدا و رسول‌خدا(ص)				
همراهی مداوم با پیامبر(ص)				

جدول (۸): مفاهیم و مؤلفه‌های بُعد اخلاق در فرماندهی نظامی امام علی (ع)

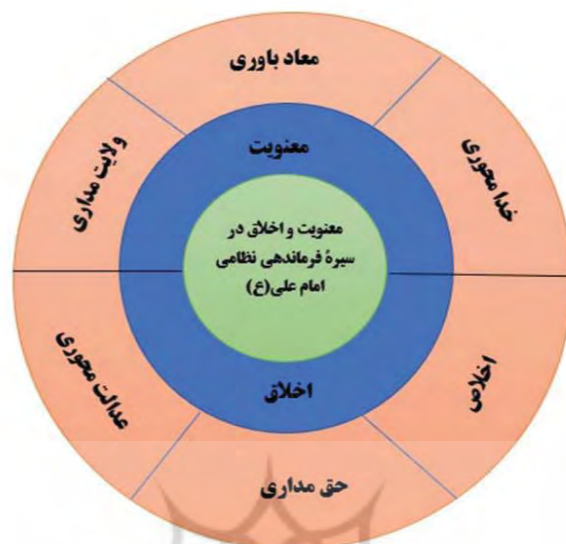
ابعاد	مؤلفه‌ها	مفاهیم
اخلاص		اوج عزت در عبودیت خدا و نهایت افتخار، در مربوبیت انسان
		پیکار با نفس
		اندوه از عاقبت و خوف از خدا
		شناخت حق و عمل به آن
		خداوند متعال، محور و مبنای تمام ارزش‌ها و فاقد ارزش دیدن ماسوی الله
		ارزشی عمل کردن بی توجه به گفتار و سرزنش دیگران
		جنگ و مبارزه فقط برای خدا
		مغرور نشدن به عبادت و اعمال صالح
		باور به نورانی و نافذبودن بصیرت در پرتواخلاص
		باور به مانایی عمل خالصانه
		اخلاق
تهذیب نفس، دوراندیشی، آخرت‌گرایی و اعتماد به خدا، موجب تحمل سنگینی حق		
باور به طرفینی بودن حق در بین مخلوقات و حق یک‌طرفه خاص خداوند		
هدایت اهل باطل به حق‌گرایی		
تأکید بر روشن‌بودن حق		
اعتقاد به فضیلت کشته شدن برای پاسداری از حق		
باور به قابل جمع نبودن حق و باطل		
تأکید بر محوریت حق و فرماندهی و مدیریت برای اقامه حق و دفع باطل		
معرفی حق متقابل زمامدار و مردم به‌عنوان بزرگترین فریضه الهی		
تأکید بر تعامل مؤمنان و یاری دادن یکدیگر در عمل به حق		
حق‌مداری		

مؤلفه‌های اخلاق در فرماندهی نظامی امام علی (ع)

فرمان به رعایت عدالت به خاطر ثواب پرهیز از ستم نه بخاطر ترس از کیفر	محوری عدالت		
تأکید بر دوری از ستم‌کاری و سخت‌گیری بی‌جا			
التزام عملی به فرامین خود پیش از صدور دستور			
بهره‌برداری از امکانات در حد ضعیف‌ترین زیردست			
برابرنه‌دیدن نیکوکار و بدکار و میزان تلاش مبنای پاداش نه بزرگی و خردی جایگاه			
کوتاه‌کردن دست ستمگر از سر ستم‌دیده			
پذیرش خلافت برای جلوگیری از شکم‌بارگی ظالم و گرسنگی مظلوم			
قربانی نکردن عدالت به خاطر مصلحت			
عدالت محور تمام مناسبات و انتصاب‌ها			
رعایت عدالت حتی در نگاه‌کردن به زیردستان			

جداول بالا مؤید این فرضیه است که فرماندهی نظامی امام علی(ع) مبتنی بر معنویت و اخلاق متعالی انسانی بوده که مؤلفه‌های معنوی فرماندهی آن حضرت، خدامحوری، معادباوری و ولایت‌مداری و مؤلفه‌های اخلاقی ایشان، اخلاص، حق‌مداری و عدالت‌مداری بوده‌است که با تأیید این فرضیه، پاسخ سؤال اصلی مقاله روشن می‌شود.

اما در خصوص پاسخ به سؤال فرعی مقاله، مبنی بر چیستی الگوی معنویت و اخلاق در سیره فرماندهی نظامی امام علی(ع)، ماحصل آنچه که در این مقاله گفته‌شد و خلاصه آن در جمع‌بندی نهایی و در قالب جداول بالا ارائه‌گردید، با طراح‌ی در نمودار الگویی زیر ترسیم و ارائه می‌شود؛ الگویی که مبتنی بر دو بعد معنویت و اخلاق بنا شده است و هریک از این ابعاد هم مبتنی بر سه مؤلفه می‌باشند که مؤلفه‌های بعد معنویت عبارتند از: خدامحوری، معاد باوری و ولایت‌مداری و مؤلفه‌های بعد اخلاق نیز عبارتند از: اخلاص، حق‌مداری و عدالت‌محوری که مؤلفه‌های بعد اخلاق، نتیجه‌ی بعد معنویت‌اند؛ یعنی، یک انسان معنوی، لزوماً یک انسان اخلاقی نیز است.



نمودار شمار ۱: الگوی معنویت و اخلاق در سیره فرماندهی نظامی امام علی (ع)

نتیجه‌گیری، پیشنهادها و راه‌کارها

#### الف) نتیجه‌گیری

از برر سی مباحث مطرح شده در این مقاله، پیرامون موضوع معنویت و اخلاق در سیره فرماندهی نظامی امام علی (ع)<sup>۴</sup>، به‌ویژه در حوزه حکومت و فرماندهی نتایج ذیل حاصل می‌شود:

- ضرورت زندگی اجتماعی، اصول فکری و معیارهای ارزشی خاصی از انسان طلب می‌کند تا در رویکرد اجتماعی خود، از آن‌ها بهره‌گیرد و این اصول، به‌عنوان اصول حاکمه، نقش اساسی در زندگی فردی و حیات اجتماعی بشر ایفا می‌کند. از سوی دیگر، انسان مفسور به فطرت الهی است و سرشت او با معنویت و اخلاق عجین گردیده که این دو گرایش، یعنی گرایشی به جمع و اجتماعی زیستن و میلی به حقیقت و به حق پیوستن، دو ضرورت را پیش پای بشر می‌نهد؛ ضرورت زندگی اخلاقی در تعامل با اجتماع بشری و ضرورت زندگی معنوی با رویکرد به منشأ و مبدأ هستی.

- اساس زندگی معنوی با اعتقاد وثیق به خدا رقم می‌خورد و معنویت منهای خدا در مقام ثبوت، فاقد واقعیت و در مقام اثبات، فاقد دلیل است و سعادت انسان در گرو زندگی

اخلاقی بر اساس اصول معنوی است که برگرفته از معنویت توحیدی باشد.

- امام‌علی(ع) به‌عنوان ولی الهی در تمام ادوار زندگی نورانی خود، بر معنویت مبتنی بر اعتقاد به خدا و اخلاق متکی بر ارزش‌های الهی پای‌فشارد و در نقش‌های اجتماعی که عهده‌دار گردید، از جمله در مقام یک فرمانده نظامی، ذره‌ای از اصول معنوی و ارزش‌های اخلاقی منبعث از باورهای توحیدی، منصرف نگردید.

- مؤلفه‌های معنویت که از سنت و سیره امام‌علی(ع) به دست می‌آید، عبارت از: خدامحوری، معادباوری و ولایت‌مداری است که اقتضاء ایمان به هستی توحیدی است. خدامحوری؛ یعنی خداوند متعال را محور اصلی زندگی قرار دادن و خواست و اراده خود را با خواست و اراده الهی منطبق کردن و خود را از هرگونه میل و خواست و خواهش شخصی و نفسانی تهی نمودن. معادباوری؛ یعنی خود را محدود و منحصر به محدوده تنگ و تاریک دنیا ندیدن و مرگ را نه پایان زندگی که گذرگاه انتقال از جهانی موقت و محدود به جهانی جاودان و گسترده پنداشتن و سعادت‌مندی آن جهان را مشروط به زندگی شایسته در این جهان دانستن و ولایت‌مداری در اصطلاح دینی؛ یعنی بر محور ولایت الهی و رسول برگزیده او بودن و لحظه‌ای از اطاعت پروردگار و تبعیت از ولی او منحرف‌نشدن و همه هستی خود را در طبق ایثار خدا و ولی او گذاشتن.

- مؤلفه‌های اخلاق برگرفته از سیره آن حضرت در همه شئون، از جمله در جایگاه یک فرمانده نظامی نیز، اخلاص، حق‌مداری و عدالت‌محوری می‌باشد. بر اساس مؤلفه اخلاص، تنها خداوند متعال، بالذات ارزشمند و سزاوار پرستش است. ارزش هر چیز دیگری، تابع میزان ارتباطش با خداوند و صبغه الهی آن است. هرکاری از جمله مشاغل فرماندهی را تنها باید به انگیزه قرب به خدا پذیرفت و بر اساس معیارهای الهی انجام داد. حق‌مداری نیز به معنای اطاعت از حق و التزام به آن است. حق‌مداری لازمه خدامحوری، معادباوری و ولایت‌مداری است. خداوند متعال حق مطلق است و حقانیت هر چیز دیگری منوط به ارتباط آن با خداوند است. در غیر این صورت باطل و سزاوار عدم است. عدالت‌محوری هم، لازمه قهری حق‌مداری است. مؤمن عدالت را وظیفه الهی بلکه ناموس الهی می‌داند و هیچ‌گاه تماشاچی صحنه‌های تبعیض و بی‌عدالتی نخواهد بود و حفظ هیچ مصلحتی، او را به قربانی کردن عدالت راضی نمی‌سازد. عدالت‌محوری، مؤمن را در همه افعال اختیاری‌اش حتی

آنگاه که یک نیم‌نگاهی به دیگران می‌کند، مراقب می‌سازد تا آنچه از ناحیه او بروز و ظهور می‌یابد، منشأ امیدواری عموم مردم و موجب قطع طمع ستمکاران گردد.

### ب) پیشنهادها

با عنایت به مبانی و نتایج این مطالعه، دو پیشنهاد نظری و دو پیشنهاد عملیاتی ارائه می‌شود:

- پیشنهادهای نظری:

۱- در نیروهای مسلح، زمینه‌های مطالعه و پژوهش بیشتر پیرامون آموزه‌های نظامی امام علی(ع) فراهم شود.

۲- سلسله همایش‌های فرماندهی و مدیریت از منظر امام علی(ع)، که نخستین آن در سال ۱۳۹۸ شمسی در دانشگاه افسری امام علی(ع) برگزار شد، با زمان‌بندی مناسب پیگیری و استمرار یابد.

- پیشنهادهای عملیاتی:

۱- الگوی ارائه شده در پایان مقاله به صورت بروشور تهیه و در اختیار فرماندهان نظامی در یگان‌ها نیروهای مسلح تا رده فرماندهان گروهان قرار گیرد.

۲- به منظور تقویت پایه معنویت و اخلاق، به عنوان دو بُعد اساسی فرماندهی در نیروهای مسلح نظام مقدس جمهوری اسلامی، یک نسخه از این مقاله در اختیار دانشجویان افسری نیروهای مسلح قرار گیرد تا به عنوان فعالیت آموزشی فوق برنامه، این مقاله را مطالعه کنند.

ج) راه کارهای عملی

راه کارها معمولاً تاکتیک‌های عملی برای تحقق راهبردها می‌باشند و راهبردها نیز اصول راهنما برای اجرای صحیح تاکتیک‌ها به شمار می‌روند؛ بر این اساس، برای تحقق هر کدام از راهبردهای غایی این مطالعه در بخش نتیجه‌گیری تحت عنوان مؤلفه‌های معنویت و اصول اخلاق ارائه گردید، یک راه کار عملی به شرح زیر ارائه می‌شود؛ با این هدف که انجام این راه کارها موجب تقویت معنویت و اخلاق در محیط‌های نظامی، به ویژه در میان فرماندهان و مدیران گردد:

- راه‌کار خدامحوری: در مقام تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اقدام، به خواست و اراده خداوند متعال توجه داشته و در تقابل امور، آنچه به خواست خداوند نزدیک‌تر و از تمایلات نفسانی دورتر است، تقدم یابد.

- راه‌کار معادباوری: همان‌طور که انسان در افعال اختیاری خویش بازتاب و آثار دنیوی آنها را لحاظ می‌کند، باید به تجلیات اخروی آنها نیز توجه داشته و بلکه آن را اصل قرار دهد.

- راه‌کار ولایت‌مداری: وضع ضوابط سازمانی، جعل و تعیین روش‌های اجرایی و کیفیت انجام امور، باید مطابق با معیارهای تعیین شده از سوی ولی الهی جامعه انجام شود.

- راه‌کار اخلاص: کارهای فردی و وظایف اجتماعی باید به قصد رضایت الهی و قرب به خدای سبحان انجام گیرد و حتی‌المقدور در خلوت بین خود و خدا باقی بماند و اگر بنا به ضرورت اقتضای اطلاع‌رسانی دارد، تحسین یا تقبیح دیگران در آن تأثیرگذار نباشد.

- راه‌کار حق‌مداری: تعصب تنها نسبت به حقیقت، معقول و مشروع است؛ در نتیجه انسان در زندگی فردی و اجتماعی و به‌ویژه در انجام وظایف سازمانی، باید به همه مصادیق حقیقت پایبند بوده و از اهل آن دفاع نماید.

- راه‌کار عدالت‌محوری: فرصت برابر جهت بروز استعدادها و اعتلای ظرفیت‌ها به افراد داده شود، مناصب به شایستگان اعطاشود و امکانات و سرمایه‌های سازمانی بهینه هزینه‌گردد.

#### فهرست منابع

قرآن کریم

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.

ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، قم: مکتب آیت‌الله مرعشی نجفی.

ابن بابویه الصدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ش). الخصال، قم: جامعه مدرسین.

ازغندی، سیدعلیرضا (۱۳۹۲). جنگ و صلح: بررسی مسائل نظامی و استراتژیک معاصر. تهران: سمت.  
استراوس و کریبن. آنسلم و جولیت (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی. ترجمه: ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.  
چاپ چهارم.

برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ش). المحاسن، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق). غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتاب الاسلامی. تهران، مجتبی (۱۳۹۱ش). سلوک عاشورایی (حق و باطل)، تهران: مؤسسه فرهنگی و پژوهشی مصابیح الهدی.

ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۰). «امام علی (ع)، کارگزاران حکومت و راه کارهای اصلاحات»، فصلنامه علمی پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۲۲.

جعفری، محمد تقی (بی تا). نگاهی به علی (ع)، تهران: انتشارات جهان آرا.

جمالی، علی اصغر و رستمی محمود (۱۳۸۱). تاریخ نظامی جهان و هنر جنگ. تهران: انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع).

حافظ نیا. محمدرضا (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت. چاپ هفدهم.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸ش). بیانیه گام دوم انقلاب.

خرم‌پور، فیروزه (۱۳۹۷). «بایسته‌های اخلاقی مدیریت معنوی امام علی (ع) در بعد حکومت‌داری اجتماعی»، نشریه رهیافت فرهنگ دینی، شماره ۴.

خنیفر، حسین و نفیسه و جواد زروندی (۱۳۹۰). «بررسی جایگاه پژوهش‌های کیفی در روش‌شناسی».

نشریه «عیار پژوهش در علوم انسانی». سال سوم. بهار و تابستان ۱۳۹۰. ش ۱.

دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). ارشاد القلوب الی الصواب، قم: الشریف الرضی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.

رشیدزاده، فتح‌الله (۱۳۸۷). منش و رفتار فرماندهی، تهران: انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع).

رشیدزاده، فتح‌الله و جعفری، رضا (۱۳۹۹). «ابعاد و مؤلفه‌های راهبردی فرماندهی نظامی بر اساس آموزه‌های امیرالمؤمنین، امام علی (ع)، در نهج‌البلاغه»، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت نظامی، سال بیستم، ش ۱، صص: ۱۶۰-۱۲۱.

رضانژاد امیردهی، عزالدین (۱۳۹۷). «اخلاق و معنویت به روایت مولای متقیان (ع)»، خبرگزاری شبستان، ۱۳۹۷/۱۲/۲۹.

رافعی، قزوینی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: انتشارات دارالحجره.

رهبر، محمد تقی و رحیمیان، محمد حسن (۱۳۸۶ش). اخلاق و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات سمت.



ساروی، پریچهر و قادرزاده، قادرزاده (۱۳۸۴). «جامعه مطلوب از دیدگاه امام علی(ع)»، نشریه معرفت، شماره ۹۵.

سیدرضی(شریف رضی). ابوالحسن محمدبن الحسین الموسوی (بی تا). نهج البلاغه. تصحیح: الصبحی الصالح. قم. دارالهجره

شمس معطر. علیرضا (۱۳۸۰). «پژوهش کیفی و روایی آن»، نشریه سپید. شماره ۱۴۷.

شهیدی، جعفر (۱۳۷۴). ترجمه نهج البلاغه. چاپ هشتم. تهران. انتشارات علمی فرهنگی.

شهیدی، جعفر (۱۳۷۸). خلاصه علی از زبان علی(ع)، تلخیص: محمدرضا جوادی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.

شیدائیان، حسین (۱۳۸۸). «راه کارهای تقویت معنویت در سپاه و بسیج»، مجله حصون، شماره ۲۱.

طباطبائی، محمد حسین (بی تا). ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲ش). مجمع البحرين، تهران: انتشارات طراوت.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). الأملی (للطوسی)، قم: دار الثقافة.

عطاران، سعید (۱۳۸۰). سیمای حضرت علی(ع) در قرآن، پرتال جامع علوم انسانی. نشریه پاسدار اسلام. شماره ۲۳۱ و ۲۳۲.

کشاورز، سوسن (۱۳۸۶). «نقش اخلاق فردی امام علی(ع) در حکومت»، گنجینه معارف، فصلنامه ندای صادق، شماره ۲۰.

الکلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب (۱۳۸۸ق). الکافی. تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

گارت، جان سی (۱۳۷۵). هنر فرماندهی نظامی. تهران. فصلنامه تاریخ جنگ. ش ۱۳.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی، قم: انتشارات دارالکتاب.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۸ش). آموزش عقاید، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیه.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۴ش). سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات سپهر.